عصر قانون

روزنامه اجتماعی اقتصادی

یکشنبه

۲۴ آبان ۱۴۰۵ • ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • 15 November 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و سی و هشت

www.asrghanoonir



نفوذ به آسمان آمریکا

لغو ۱۰ هزار پرواز به مقصد یا از مبدأ آمریکا، بار دیگر هیمنه پوشالی به اصطلاح ابرقدرت جهان را شکست

۵

تصمیم‌های پرحاشیه بنزینی

جای خالی سیاست جامع و سخنگوی واحد

۵

کاهش ۵۳ درصدی قمه‌کشی در کشور

۷

تفاوت پایه پولی و نقدینگی

پول چگونه در اقتصاد ایجاد و زیاد می‌شود؟

۵

ادعای مضحک صهیونیست‌ها



ویژه

سردار حسین محبی

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار پیامی، تاکید کرد: ادعای مضحک حمله به سامانه‌های سرمایشی، سناریوی نخ‌نمای صهیونیست‌ها است.

سردار حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار پستی در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: پاریس مراقب تله پرچم دروغین رژیم صهیونی باشد.

وی افزود: برخلاف آمریکا و رژیم صهیونی، غیرنظامیان در بانک اهداف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جایی ندارند.

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصریح کرد: ادعای مضحک حمله به سامانه‌های سرمایشی، سناریوی نخ‌نمای صهیونیست‌ها برای ایران‌هراسی و یارگیری در اروپاست.

انهدام و رهگیری یک فروند پهپاد MQ۱

ویژه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: دقایقی پیش ساعت (۱۴:۳۰) هفدهمین پهپاد MQ ۱ آمریکا توسط سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه در آسمان جزیره قشم رهگیری و منهدم شد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: دقایقی پیش ساعت (۱۴:۳۰) هفدهمین پهپاد MQ۱ آمریکا توسط سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه در آسمان جزیره قشم رهگیری و منهدم شد.

یک فروند پهپاد شناسایی ــ رزمی ارتش متجاوز آمریکا از خانواده MQ-۱ بر فراز جزیره قشم، با آتش سامانه نوین پدافند پیشرفته نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رهگیری و منهدم شد.



اصلاح ناترازی انرژی

بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، با اشاره به پیامدهای ناترازی انرژی در زندگی مردم و فعالیت واحدهای تولیدی، گفت: ناترازی انرژی از آنجا ناشی می‌شود که میزان عرضه انرژی با نیازهای کشور تناسب ندارد و پاسخگوی تقاضای موجود نیست. مردم این مسئله را در قالب خاموشی منازل و تولیدکنندگان و صنعتگران در شکل توقف تولید، تهدید اشتغال، کاهش سرمایه و افت گردش اقتصادی تجربه می‌کنند.

وی با تأکید بر اینکه مسئولیت ناترازی انرژی را نمی‌توان صرفاً متوجه مردم و مصرف‌کنندگان دانست، افزود: فرسودگی تجهیزات صنعت انرژی، اتلاف انرژی در شبکه‌های انتقال، بهره‌وری پایین ساختمان‌ها و صنایع و همچنین سیاست‌های قیمت‌گذاری سال‌های گذشته، از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این وضعیت هستند.

سیاست‌های قیمت‌گذاری، مشوق مصرف بیشتر شده است

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به آثار نظام تعرفه‌گذاری انرژی تصریح کرد: در سال‌های گذشته، مصرف‌کنندگان کم‌مصرف و پرمصرف تا حد زیادی از انرژی با قیمت‌های پایین و مشابه استفاده کرده‌اند؛ در نتیجه، سهم بیشتری از یارانه انرژی به مصرف‌کنندگان پرمصرف رسیده است.

نگاهداری ادامه داد: این شیوه قیمت‌گذاری علاوه بر افزایش بهره‌مندی پرمصرف‌ها از یارانه‌ها، توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عمومی در صنعت انرژی را نیز کاهش داده و در نهایت به افت سرمایه‌گذاری در این بخش منجر شده است.

دولت باید اصلاحات را از مجموعه خود آغاز کند

وی با تأکید بر ضرورت اصلاح مسیر مدیریت انرژی کشور گفت: برای حل ناترازی انرژی، دولت باید اقدامات اصلاحی را از مجموعه خود آغاز کند. در گام نخست، اتلاف انرژی در شبکه انتقال باید کاهش یابد و ساختمان‌های عمومی پرمصرف که از بهره‌وری مناسبی برخوردار نیستند، اصلاح شوند.

نگاهداری با اشاره به نقش صنایع بزرگ در کاهش ناترازی انرژی اظهار کرد: صنایع نیز باید در این مسیر مشارکت کنند و با افزایش بهره‌وری، میزان مصرف انرژی خود را کاهش دهند. اجرای این اقدامات می‌تواند زمینه توجیه‌پذیری اقتصادی سرمایه‌گذاری بخش عمومی و خصوصی در صنعت انرژی را فراهم کند.

سیاست‌های کلی توصیه اخلاقی نیست



نشست بررسی و ارائه گزارش مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره میزان تحقق اهداف سیاست‌های کلی مسکن در سطح راهبردی، با حضور عباسعلی کدخدایی، سرپرست دبیرخانه مجمع، سیدمحسن دهنوی، رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی دبیرخانه، سیدمرتضی نبوی، رئیس دفتر هیئت عالی نظارت بر سیاست‌های کلی نظام، سیدمهدی هاشمی، رئیس کمیسیون زیربنایی و تولیدی دبیرخانه و جمعی از مدیران و کارشناسان برگزار شد.

در این نشست، گزارش ارزیابی راهبردی تحقق سیاست‌های کلی مسکن با تمرکز بر سه هدف کلان این سیاست‌ها شامل تأمین مسکن و توسعه ظرفیت سکونتگاهی کشور، بهبود کیفیت و ایمنی مسکن و ارتقای نظام مدیریت و حکمرانی مسکن ارائه و بررسی شد.

بر اساس گزارش ارائه‌شده، در سطح کلان میان سیاست‌های کلی مسکن و قوانین و مقررات کشور همسویی وجود دارد و بسترهای حقوقی اجرای این سیاست‌ها تا حدودی فراهم شده است؛ با این حال، در برخی حوزه‌های اجرایی و عملیاتی، اقدامات انجام‌شده متناسب با اهداف و انتظارات سیاست‌های کلی نبوده است.

در این گزارش، از جمله زمینه‌های نیازمند توجه و اقدام جدی‌تر، به موضوعاتی همچون اعطای تسهیلات بانکی، واگذاری زمین، صنعتی‌سازی ساخت مسکن، حمایت از تولید انبوه، رعایت الزامات صرفه‌جویی انرژی در ساخت‌وساز و توجه به ارزش‌های فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده در معماری مسکن اشاره شد.

عباسعلی کدخدایی، سرپرست دبیرخانه مجمع در این نشست با تأکید بر ضرورت تبیین جایگاه و اعتبار قانونی سیاست‌های کلی برای مسئولان و دستگاه‌های اجرایی گفت: متأسفانه برخی مسئولان و دستگاه‌ها نسبت به محتوا و اعتبار سیاست‌های کلی اطلاع کافی ندارند و لازم است جایگاه این سیاست‌ها و اهمیت قانونی آن‌ها برای همه دستگاه‌های مسئول تبیین و گوشزد شود.

وی افزود: سیاست‌های کلی، توصیه اخلاقی نیست؛ بلکه سند و هنجار قانونی مهم و معتبری است که به تأیید رهبر انقلاب رسیده و دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند در برابر اجرای آن و تحقق بندهای مربوطه پاسخگو باشند.

سرپرست دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به ضرورت ایجاد سازوکارهای مؤثر برای پیگیری اجرای سیاست‌های کلی تصریح کرد: شاخص‌های ارزیابی و سنجش اجرای سیاست‌های کلی باید از همان ابتدا و هم‌زمان با ابلاغ هر سیاست جدیدی تعیین و ابلاغ شود تا امکان مطالبه و ارزیابی دقیق عملکرد دستگاه‌ها فراهم باشد. همچنین ضروری است در هر دستگاه، بخش مشخصی متولی پیگیری اجرای سیاست‌های کلی مرتبط با آن دستگاه باشد و ضمن ارتباط مستمر با دبیرخانه مجمع، گزارش‌های لازم را ارائه کند.

کدخدایی همچنین بر ضرورت دقت و اعتبار داده‌ها در فرآیند ارزیابی تأکید کرد و گفت: گزارش راهبردی و عملیاتی تحقق سیاست‌های کلی مسکن پس از نهایی شدن باید به هیئت عالی نظارت ارائه شود و آمارها و اطلاعات مورد استناد در این گزارش نیز باید دقیق، معتبر، بدون خدشه و مبتنی بر داده‌های یکسان و قابل اتکا باشد.

در ادامه این نشست، پیشنهادهایی درباره بازنگری، تکمیل و تقویت سیاست‌های کلی مسکن مطرح و بررسی شد تا زمینه ارتقای اثربخشی این سیاست‌ها و انطباق بیشتر آن‌ها با نیازها و اقتضائات روز کشور فراهم شود.



ایستادگی در برابر دشمن

محسن اسماعیلی در آیین رونمایی از تازه ترین منشورات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی گفت: قرن‌ها در این بستر کار فکری و فرهنگی شده تا امروزه مردم توانسته‌اند صدها شبانه‌روز این‌چنین مقتدرانه سرپا بایستند، به‌طوری که جهانیان انگشت حیرت به دهان گرفته‌اند. این عظمت محصول تولید فرهنگ و تلاش همگی نویسندگانی است که حاصل عمرشان امروز در قفسه‌های این کتابخانه ها جاودانه شده است.

وی با اشاره به پیشینه کتابخانه مجلس و انس و الفت خود با این مرکز در دوران جوانی گفت: من از دیرباز از دورانی که دانش‌آموز دبیرستانی بودم، هر فرصتی پیدا می‌کردم از این کتابخانه بزرگ و غنی بهره و حظ می‌بردم؛ به‌ویژه یاد می‌کنم از مرحوم عبدالحسین حائری که در گوشه کتابخانه می‌نشستند، غرق در کتابها و اسناد بودند و خدمات ماندگاری را به یادگار گذاشتند. روح ایشان و روح تمامی کسانی که در پایه‌گذاری و شکل‌گیری این بنای عظیم و فاخر سهیم بوده‌اند، ان‌شاءالله شاد باشد.

دکتر اسماعیلی در ادامه به دو آفت در حوزه کتاب و کتابخوانی اشاره کرد و گفت: ما از گذشته تا کنون در حوزه کتاب با دو نگاه اشتباه مواجه بوده‌ایم که می‌توان آن‌ها را نوعی افراط و تفریط دانست؛ وظیفه ما این است که از هر دو دیدگاه فاصله بگیریم و به نقطه تعادل بازگردیم .دیدگاه نخست؛ تجددزدگی سطحی و نادیده گرفتن تراث است، این نگاه متعلق به برخی تازه‌به‌دوران‌رسیده‌های عرصه دانش است که گمان می‌کنند پشت‌پا زدن به داشته‌های کهن و مواریث گذشته افتخار است، و نادیده گرفتن تراث علمی و فکری را مایه مباهات می‌پندارند؛ در حالی که حقیقت درست برعکس این پندار است.

وی در تشریح دیدگاه دوم گفت: «ادعای پایان کاروان علم و بی‌نیازی از تألیف جدید» آسیب دیگری است که در این عرصه وجود دارد. نگاه دوم نیز متعلق به کسانی است که گاهی این جمله از زبانشان شنیده می‌شود که: « هرچه لازم بوده گذشتگان گفته و نوشته‌اند؛ دیگر چه بنویسیم و چه کار کنیم؟ نیازی به کار جدید نیست.» هر دوی این نگاهها کاملاً نادرست است.

دکتر اسماعیلی خاطرنشان کرد: کاروان علم همواره در حال پویایی و حرکت است و هر روز افق و یافته جدیدی پدیدار می‌شود. اصلاً رسالت و تکلیف ما این است که به تعبیر قائد شهید، «مرزشکنی علمی» کنیم و هر روز حرف نویی را به جامعه بشری عرضه بداریم. این امر، شأن ایران و شأن اسلام است و ما باید در جهان پیشگام طرح ایده‌ها و سخنان تازه باشیم. اینکه تصور کنیم هرچه گفتنی بوده بیان شده و نیازی به کار و تألیف جدید نیست، خطایی فاحش ا ست .

درس ابن‌ادریس حلی در کتاب «السرائر» و آسیب‌شناسی تفکر «ما ترک الأول للآخر شیئا»

وی در بخشی از سخنان خود با اشاره به درس ابن‌ادریس حلی در کتاب «السرائر» اضافه کرد: وی در کتاب سترگ و معروف خود، السرائر، مقدمه‌ای بسیار خواندنی دارد. یکی از آرزوهای من همواره این بوده که پژوهشگری همت کند و این مقدمه را ترجمه نموده و به صورت شایسته در اختیار همگان قرار دهد؛ مقدمه‌ای مفصل و بسیار خواندنی درباره عظمت اجتهاد، ارزش قلم نویسندگان و لزوم مرزشکنی در ساحت علم دارد.

وی اضافه کرد: ابن‌ادریس در همان مقدمه کتاب سه جلدی السرائر، از روزگار خود لب به گلایه می‌گشاید و می‌گوید: مردم دیگر حوصله خواندن کتاب‌های مفصل را ندارند و به کتاب‌های موجز و کوتاه علاقه‌مند شده‌اند؛ لذا این کتاب السرائر را به عنوان اثری مختصر برایشان نوشتم! جالب اینجاست که همین کتابی که ایشان آن را مختصر می‌داند، امروزه از امهات کتب فقهی است که اگر کسی آن را بخواند و درست بفهمد، می‌توان با خاطری آسوده به او اجازه اجتهاد داد! با این حال می‌گوید چون دیدم مردم اهل مطالعه جدی نیستند، این اثر کوتاه را نگاشتم.

دکتر اسماعیلی یادآور شد: یکی از جملات تکان‌دهنده‌ای که ابن‌ادریس در آن مقدمه آورده و ذهن مرا بسیار به خود مشغول ساخته، این است : هیچ سخن و باوری برای بشریت زیان‌بارتر و مخرب‌تر از این جمله نیست که بگویند: پیشینیان برای آیندگان چیزی باقی نگذاشته‌اند. ایشان می‌گوید هیچ گزاره‌ای مضرتر از این نیست که بگوییم گذشتگان همه چیز را گفته‌اند و دیگر حرف و زمینه‌ای برای نگارش کتاب جدید باقی نمانده است. شبیه این مضمون را شهید مطهری نیز در یکی از بیانات خود دارند؛ ایشان می‌فرمایند گاهی زیانِ یک مصرع یا یک ضرب‌المثل نادرست برای یک ملت، از حملهٔ مغول مخرب‌تر است! برای نمونه به مثل معروف «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو» اشاره می‌کنند و می‌فرمایند این تفکر نابودکننده است.

معاون راهبردی رئیس جمهور با اشاره به لزوم نوآوری و بازنویسی معارف گذشتگان به زبان امروزی گفت: منابع ما فوق‌العاده غنی است. وقتی از گذشتگان سخن می‌گوییم منظورم قرون دور نیست؛ همین پدران و پدربزرگان ما تحصیلات خود را با گلستان سعدی آغاز می‌کردند، اما امروزه برخی افراد با داشتن مدرک دکترا حتی از خواندن درست عبارات آن عاجزند، چه رسد به اینکه بتوانند از معارف آن بهره گیرند! انسان غصه می‌خورد و مصداق این بیت می‌شود: «افسوس که بر گنج خفته‌ای و به رنج اندریم هنوز!» این میراث گرانبهای ایرانی و اسلامی در دستان ماست ولی از آن غافلیم.

اگر آمریکا به راه‌حل دیپلماتیک متعهد است فورا به محاصره پایان دهد

«غلامحسین درزی»، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد عصر جمعه به وقت محلی (۱۳ نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۲۲ آبان ۱۴۰۵) در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد ذیل دستور کار "وضعیت در خاورمیانه" با بیان اینکه ایران هرگز درهای دیپلماسی را نبسته است، گفت: ایران طی دو سال گذشته، بارها با حسن نیت وارد مذاکرات شده است. با این حال، ایالات متحده آمریکا در هر نوبت، تجاوز و تهدید را به‌جای دیپلماسی برگزیده است؛ رویکردی که همچنان ادامه دارد.

دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل تصریح کرد: این تجارب مکرر، بی‌اعتمادی عمیقی ایجاد کرده و تردیدهای جدی را درباره چشم‌انداز ازسرگیری مذاکرات، بدون وجود تضمین‌های معتبر برای جلوگیری از تکرار چنین اقدامات غیرقانونی، به وجود آورده است.مسیر پیش رو روشن است.اگر واشنگتن واقعاً به راه‌حل دیپلماتیک متعهد است، باید فوراً و بدون قیدوشرط به تجاوز خود پایان دهد، تضمین‌های معتبر مبنی بر عدم تکرار ارائه کند، به حقوق حاکمیتی ایران احترام بگذارد، محاصره دریایی و تمامی اقدامات قهری یک‌جانبه و غیرقانونی دیگر را لغو کند و تعهد واقعی خود به دیپلماسی را در عمل نشان دهد.

سفیر و کاردار ایران نزد سازمان ملل در عین حال تصریح کرد: اجازه دهید صریح و روشن بگویم: هرگونه تجدید جنگ تجاوزکارانه از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل، با پاسخی فوری و قاطع و بدون هیچ‌گونه تردید مواجه خواهد شد؛ پاسخی که منشأ تجاوز را، در هر کجا که باشد، هدف قرار خواهد داد. ایران همانند گذشته، حق ذاتی خود برای دفاع مشروع را مطابق با حقوق بین‌الملل اعمال خواهد کرد.

درزی خطاب به شورای امنیت تصریح کرد: ایران به اتخاذ تمامی اقدامات ضروری و مقتضی برای دفاع از مردم، امنیت، منافع حیاتی، حاکمیت و تمامیت ارضی خود، حفظ بازدارندگی معتبر و پایدار و اطمینان از عدم تکرار هرگونه تجاوز دیگر ادامه خواهد داد. این شورا باید مطالبات خود را متوجه متجاوز کند، نه قربانی. شورا باید از ایالات متحده آمریکا بخواهد که به تمامی اقدامات و تهدیدهای غیرقانونی خود پایان دهد، به تعهداتش ذیل منشور ملل متحد پایبند باشد و حقوق بین‌الملل را به‌طور کامل رعایت کند.

متن کامل سخنان سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

متشکرم، خانم رئیس.

هدف از مشارکت ما در نشست امروز، تبیین ریشه‌های اصلی وضعیت کنونی در منطقه خلیج فارس است. زیرا، برخی اعضای این شورا، به‌ویژه اعضای غربی، با هماهنگی و همسویی با طرف متجاوز، در تلاش‌اند واقعیت‌ها را تحریف کنند، ریشه‌های اصلی وضعیت موجود را نادیده بگیرند و جایگاه قربانی و متجاوز را وارونه جلوه دهند.

ما با دقت به اظهارات توجیه‌کنندگان و سخنان اعضای شورا گوش فرا دادیم.

اظهارات آقای البدیوی نامتوازن، یک‌جانبه و با انگیزه‌های سیاسی بود. ما این اتهامات بی‌اساس را قاطعانه رد می‌کنیم. همچنین از مواضع اتخاذشده از سوی برخی اعضای شورا، به‌ویژه اعضای غربی آن، ابراز تأسف می‌کنیم. اظهارات آنان بازتاب‌دهنده الگویی آشنا از معیارهای دوگانه و ریاکاری آشکار است.

به همین ترتیب، نماینده ایالات متحده آمریکا از هیچ‌گونه جایگاه حقوقی، سیاسی یا اخلاقی برای موعظه کردن یا متهم ساختن ایران برخوردار نیست. ایالات متحده متجاوز است، نه قربانی. این کشور در نقض آشکار منشور ملل متحد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، جنگی تجاوزکارانه و غیرموجه را علیه ایران آغاز کرد.

در این چارچوب، مایلم نکات زیر را مطرح کنم:

اول؛ ریشه‌های وضعیت کنونی کاملاً روشن است:

ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ و بار دیگر از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، جنگ‌های تجاوزکارانه‌ای را بدون هیچ‌گونه تحریک قبلی و با برنامه‌ریزی قبلی علیه ایران آغاز کردند. آنها در جریان این تجاوزات، بی‌اعتنایی کامل خود را به حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نشان دادند. در جریان این جنگ‌های وحشیانه، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، مقامات ارشد سیاسی و نظامی، دانشمندان هسته‌ای و دانشگاهیان ترور شدند. همچنین حملات گسترده و غیرقابل تبعیض و کورکورانه، غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله تأسیسات صنعتی، پل‌ها، بیمارستان‌ها، فرودگاه‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، اماکن میراث فرهنگی، تأسیسات ورزشی و زیرساخت‌های انرژی را هدف قرار دادند. در نتیجه این جنگ‌های وحشیانه، بیش از ۵۰۰۰ انسان بی‌گناه، از جمله ۲۵۴ کودک و ۲۵۱ زن، جان عزیز خود را از دست داده‌اند.

در نخستین روز تجاوز ماه فوریه، دو موج موشک تاماهاوک آمریکایی به یک مدرسه در میناب اصابت کرد و ۱۶۸ کودک را به شهادت رساند. در همان روز، حمله آمریکا به ورزشگاه لامرد دست‌کم ۲۱ غیرنظامی، از جمله کودک، را به شهادت رساند و حدود ۱۰۰ نفر دیگر را مجروح کرد. این حمله نخستین مورد استفاده عملیاتی از موشک بالستیک دقیق‌زن (PrSM) در میدان نبرد بود.

در ۱۳ مارس ۲۰۲۶، پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، اعلام کرد: "نه امان می دهیم، نه رحم می کنیم"

حقوق بین‌الملل بشردوستانه چنین اظهاراتی را ممنوع کرده و آن را در زمره جنایات جنگی قرار می‌دهد.

متعاقباً رئیس‌جمهور آمریکا تهدید کرد که نیروگاه‌های برق و پل‌های ایران را نابود خواهد کرد. پس از آن، نیروهای آمریکایی در یک شب به پنج پل حمله کردند. حتی اخیرا در ۸ نوامبر ۲۰۲۶، رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر تهدید کرد که ۳۸ پل شناسایی‌شده در سراسر ایران را ظرف یک ساعت نابود خواهد کرد. این اقدامات جنایت جنگی محسوب می‌شوند.

ایران در واکنش به این اقدامات تجاوزکارانه، حق ذاتی خود برای دفاع مشروع را مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد اعمال کرد. اقدامات دفاعی و قانونی ایران، تأسیسات، پایگاه‌ها و دارایی‌های نظامی ایالات متحده در منطقه را هدف قرار داد که برای انجام حملات علیه ایران مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

دوم؛ ناامنی حاکم بر تنگه هرمز، پیامد مستقیم تجاوز علیه ایران و اقدامات غیرقانونی ایالات متحده است

این اقدامات شامل حمله به بنادر و تأسیسات دریایی ایران، شناورهای تجاری و نیز اعمال محاصره نظامی و دریایی علیه بنادر ایران با هدف مجازات جمعی یک ملت است. محروم‌سازی عامدانه یک جمعیت غیرنظامی از غذا، دارو و سایر مایحتاج اساسی، نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و در حکم جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است. مسئولیت این وضعیت همچنین متوجه دولت‌هایی است که با قرار دادن سرزمین‌ها، پایگاه‌های نظامی، حریم هوایی، تأسیسات لجستیکی و زیرساخت‌های اطلاعاتی خود در اختیار متجاوزان، زمینه را برای تجاوز فراهم کرده و آن را تسهیل کرده‌اند؛ اقدامی که نقض تعهدات آنها بر اساس حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است.

خانم رئیس،

ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند به ایران حمله و آن را بمباران کند، حاکمیت و تمامیت ارضی آن را نقض کند، زیرساخت‌های غیرنظامی را هدف قرار دهد، ایران را به نابودی تهدید کند، محاصره نظامی و دریایی اعمال کند و از طرح‌های غیرقانونی قهری، از جمله طرح موسوم به "عملیات طرد اقتصادی " (Economic Operation Outcast) و "کارگروه دروازه آهنین" (Iron Gate Task Force)، برای مجازات جمعی جمعیتی ۹۰ میلیونی بهره گیرد و سپس انتظار داشته باشد که تنگه هرمز، گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است،



به وضعیت عادی بازگردد.

سوم؛ ایران همچنان به صلح و ثبات در خلیج فارس پایبند است

ایران همواره تأکید کرده است که ترتیبات امنیتی منطقه باید توسط کشورهای خود منطقه، بدون مداخله خارجی و در چارچوب حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، ایجاد و برقرار شود. تجاوز آمریکا و رژیم اسرائیل بار دیگر نشان داد که حضور نیروهای نظامی خارجی و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در منطقه، از منابع اصلی ناامنی، بی‌ثباتی و تنش هستند. این حضور همچنین ایمنی و امنیت دریانوردی را به‌طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد.

چهارم؛ موضع ایران در قبال قطعنامه ۲۸۱۷ (۲۰۲۶) شورای امنیت روشن و مستند است

موضع حقوقی ما به تفصیل در مکاتباتی که به‌عنوان اسناد رسمی شورای امنیت (S/۲۰۲/۲۰۲۶) و مجمع عمومی (A/۶۸۰/۸۰) توزیع شده‌اند، تشریح شده است. ایران این قطعنامه که با انگیزه‌های سیاسی تصویب شده است را رد می‌کند. این قطعنامه در نتیجه فرایندی یک‌جانبه و سیاسی‌شده به تصویب رسید که ریشه‌های اصلی وضعیت موجود را نادیده گرفت، حق ذاتی ایران برای دفاع مشروع را انکار کرد و از شناسایی ایالات متحده و رژیم اسرائیل به‌عنوان طرف‌های متجاوز خودداری ورزید. در واقع، تصویب قطعنامه ۲۸۱۷ سوءاستفاده‌ای فاحش از اختیارات شورای امنیت بود؛ اقدامی که از این شورا برای مشروعیت‌بخشی به تجاوز، وارونه‌سازی جایگاه حقوقی متجاوز و قربانی و تضعیف قاعده آمره ممنوعیت توسل به زور، مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، استفاده کرد. اجازه دهید بار دیگر تأکید کنم: هیچ قطعنامه‌ای از شورای امنیت نمی‌تواند یک دولت عضو را از حق ذاتی خود برای دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه محروم سازد.

پنجم؛ ایران هرگز درهای دیپلماسی را نبسته است.

ایران طی دو سال گذشته، بارها با حسن نیت وارد مذاکرات شده است. با این حال، ایالات متحده آمریکا در هر نوبت، تجاوز و تهدید را به‌جای دیپلماسی برگزیده است؛ رویکردی که همچنان ادامه دارد. این تجارب مکرر، بی‌اعتمادی عمیقی ایجاد کرده و تردیدهای جدی را درباره چشم‌انداز ازسرگیری مذاکرات، بدون وجود تضمین‌های معتبر برای جلوگیری از تکرار چنین اقدامات غیرقانونی، به وجود آورده است.

مسیر پیش رو روشن است.

اگر واشنگتن واقعاً به راه‌حل دیپلماتیک متعهد است، باید فوراً و بدون قیدوشرط به تجاوز خود پایان دهد، تضمین‌های معتبر مبنی بر عدم تکرار ارائه کند، به حقوق حاکمیتی ایران احترام بگذارد، محاصره دریایی و تمامی اقدامات قهری یک‌جانبه و غیرقانونی دیگر را لغو کند و تعهد واقعی خود به دیپلماسی را در عمل نشان دهد.

خانم رئیس،

اجازه دهید صریح و روشن بگویم: هرگونه تجدید جنگ تجاوزکارانه از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل، با پاسخی فوری و قاطع و بدون هیچ‌گونه تردید مواجه خواهد شد؛ پاسخی که منشأ تجاوز را، در هر کجا که باشد، هدف قرار خواهد داد. ایران همانند گذشته، حق ذاتی خود برای دفاع مشروع را مطابق با حقوق بین‌الملل اعمال خواهد کرد.

همه عمار و مالک‌اشتر نیستند، اما هرکس در قبال حق مسئول است

حجت‌الاسلام حامد کاشانی در سلسله سخنرانی‌های خود در ایام فاطمیه با واکاوی ابعاد تاریخی و اجتماعی واقعه فاطمیه، به این پرسش می‌پردازد که چرا با وجود آگاهی مردم مدینه از جایگاه و منزلت حضرت زهرا(س)، آنان در برابر ظلم به آن حضرت سکوت کردند. این صحبت‌ها طی چند بخش در اختیار مخاطبان قرار خواهد گرفت.

وقتی به حوادث جامعه عصر پیامبر اکرم(ص) پس از رحلت ایشان نگاه می‌کنیم، باید به این نکته توجه داشته باشیم که منشأ بسیاری از اتفاقاتی که رخ داد، جهل و ناآگاهی مردم نبود. البته اگر درباره واقعه کربلا بگوییم عده‌ای حقیقت امام حسین(ع) را نمی‌شناختند، سخن درستی است یا اگر بگوییم برخی از شامیان در جنگ صفین امیرالمؤمنین(ع) را نمی‌شناختند، این هم درست است؛ اما مردم مدینه حضرت زهرا(س) و جایگاه ایشان را می‌شناختند. مسئله این نبود که نمی‌دانستند دختر پیامبر(ص) چه جایگاهی دارد؛ مسئله این بود که دانستن به‌تنهایی برای عمل‌کردن کافی نیست.

صرف دانستن واجب الهی باعث نمی‌شود انسان به آن عمل کند و صرف آگاهی از حرام الهی نیز لزوماً جامعه را از آن حرام دور نمی‌کند. باید کاری کرد که معروف در جامعه به یک ارزش عمومی تبدیل شود و منکر به‌عنوان یک ناهنجاری اجتماعی شناخته شود. بنابراین، وقتی در جامعه‌ای افراد آگاهی دارند، اما تحرک، انگیزه، غیرت و شوق لازم برای دفاع از حق را ندارند، باید به دنبال عامل دیگری بگردیم.

یکی از مهم‌ترین عوامل در چنین شرایطی، حضور افرادی است که بار حق را به دوش می‌کشند و به‌عنوان پیش‌قراول و علمدار در جامعه حرکت می‌کنند. اگر بخواهم این بحث را در یک جمع دانشجویی مطرح کنم، عنوان آن را «نقش الگوهای میانی در پیشبرد حق» می‌گذارم.

وقتی به خانه امیرالمؤمنین(ع) حمله شد، حضرت فرمودند: «وا جعفرا!»؛ یعنی جعفر کجاست؟ شاید این سؤال پیش بیاید که وقتی خود امیرالمؤمنین(ع) حضور دارند، دیگر چه نیازی به جعفر است؟ پاسخ این است که اگر قرار باشد بدنه عمومی یک جامعه در دفاع از حق همراه شود، به افرادی از جنس خود مردم نیاز دارد که پیش‌قراول و علمدار باشند. حضور امیرالمؤمنین(ع) برکات خودش را دارد، اما برای همراه‌کردن همه جامعه، نقش افراد دیگری هم ضروری است.

همین مسئله را در کلمات امیرالمؤمنین(ع) درباره عمار می‌بینیم. حضرت می‌فرمودند: «أین عمار؟»؛ عمار کجاست؟ معنای این سخن آن نیست که عمار جای امیرالمؤمنین(ع) را می‌گیرد یا کسی می‌تواند جای امام معصوم را پر کند. جایگاه امامت محفوظ است و هیچ‌کس قابل مقایسه با امیرالمؤمنین(ع) نیست؛ اما نقش عمار را دیگران هم می‌توانند ایفا کنند. جامعه به امیرالمؤمنین(ع) نیاز دارد و در کنار آن، به عمارهایی نیاز دارد که بتوانند در میان مردم روشنگری کنند و هزینه دفاع از حق را بپردازند.

برای نمونه، پیش از جنگ جمل، عایشه برای برخی از بزرگان و افراد صاحب‌اعتبار نامه می‌نوشت تا آنان را به سمت خود جذب کند. یکی از این افراد زید بن صوحان بود؛ از شاگردان و ارادتمندان سلمان فارسی و از چهره‌های شناخته‌شده و مورد اعتماد مردم کوفه. عایشه برای او نامه نوشت و از او خواست به جمع آنان بپیوندد، اما زید نپذیرفت.



عایشه نمی‌خواست زید به جمع امیرالمؤمنین(ع) بپیوندد؛ زیرا می‌دانست حضور چنین فردی می‌تواند دیگران را نیز به حرکت وادارد. زید فقط یک نفر نبود؛ او می‌توانست چراغی برای تشخیص مسیر حق باشد.

اهمیت موضع زید در این بود که او صرفاً یک فرد عادی نبود. حضور یا عدم حضور چنین شخصیتی در یک جبهه، بر تصمیم دیگران هم اثر می‌گذاشت. بنی‌عبدالقیس از قبایل مهم کوفه بودند و زید بن صوحان در میان آنان اعتبار داشت. اگر او به یک سمت متمایل می‌شد، افراد دیگری هم ممکن بود از او پیروی کنند.

زید در پاسخ به عایشه، با استناد به فرمان الهی درباره قرارگرفتن زنان در خانه، به او یادآوری کرد که خداوند او را به کاری فرمان داده که از آن سرپیچی کرده و دیگران را نیز به جهاد و همراهی با امیرالمؤمنین(ع) فراخوانده است. این نامه یک اقدام روشنگرانه بود؛ اقدامی که آثار آن تنها به همان روز و همان جنگ محدود نماند و در تاریخ باقی ماند.

امیرالمؤمنین(ع) نیز درباره اهمیت چنین افرادی سخنانی دارند. حضرت می‌فرمودند اگر بخواهم برخی از رفتارهایی را که با من شده اصلاح کنم، سپاهم از اطرافم پراکنده می‌شود و جز اندکی باقی نمی‌مانند. ایشان توضیح می‌دادند کسانی که حقیقت امامت را نمی‌شناسند یا باور ندارند که جایگاه امامت از جانب خداوند و پیامبر(ص) تعیین شده است، ممکن است در برابر برخی تصمیم‌ها و اقدامات دچار تردید شوند؛ اما کسانی که این حقیقت را می‌دانند، پای امام می‌ایستند.

در جنگ جمل، زید بن صوحان مجروح شد و در لحظات پایانی عمرش، امیرالمؤمنین(ع) بر بالین او حاضر شدند و فرمودند: خدا تو را رحمت کند، ای زید! هرگاه به تو نیاز داشتم، آماده کمک بودی و برای من دردسر و گرفتاری درست نمی‌کردی.

زید با همان توان اندکی که برایش باقی مانده بود، از حضرت تشکر کرد و گفت که ایشان او را هدایت کرده و به راه آورده‌اند. سپس توضیح داد که چرا در رکاب امیرالمؤمنین(ع) جنگیده است؛ زیرا از ام‌سلمه شنیده بود که پیامبر اکرم(ص) درباره علی(ع) فرموده‌اند: «من کنت مولاه فعلی مولاه». زید می‌خواست روشن کند که حضورش در کنار امیرالمؤمنین(ع) به دلیل یک موقعیت سیاسی یا قدرت ظاهری نبود؛ بلکه به فرمان و معرفی پیامبر(ص) به آن حضرت ایمان داشت.

این همان نکته‌ای است که اهمیت نقش الگوهای میانی را نشان می‌دهد. آنان می‌توانند مسیر حرکت جامعه را تغییر دهند و در لحظه‌های حساس، تصمیم‌ها را جهت دهند. بنابراین، همه نمی‌توانند سلمان یا ابوذر شوند. اما هرکسی می‌تواند در اندازه توان و جایگاه خودش نقشی در دفاع از حق ایفا کند.

در جنگ صفین نیز نمونه‌های دیگری از این مسئله را می‌بینیم. گاهی سپاه امیرالمؤمنین(ع) در برابر حملات سپاه معاویه دچار ترس و عقب‌نشینی می‌شد. در چنین شرایطی، گاهی مالک اشتر وارد میدان می‌شد و نیروها را به بازگشت و ایستادگی تشویق می‌کرد. اما همیشه هم یک فرمانده نظامی یا شخصیت شناخته‌شده نبود که چنین نقشی را ایفا می‌کرد.

در برخی از گزارش‌های تاریخی آمده است که زنی در میان سپاه امیرالمؤمنین(ع)، هنگامی که گروهی از نیروها در حال عقب‌نشینی بودند، در برابر آنان ایستاد و با سخنان خود آنها را سرزنش کرد. او به آنان یادآوری کرد که مردم برای رسیدن به امنیت و نجات، به امیرالمؤمنین(ع) پناه می‌برند؛ پس چگونه اکنون از کنار ایشان فرار می‌کنند؟ این زن نه فرمانده لشکر بود، نه رئیس قبیله و نه سابقه نظامی شناخته‌شده‌ای داشت؛ اما در لحظه‌ای که دیگران عقب نشستند، ایستادگی کرد و توانست عده‌ای را به بازگشت وادار کند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد گاهی یک نفر در یک موقعیت خاص می‌تواند نقشی ایفا کند که از عهده افراد بسیار شناخته‌شده هم برنمی‌آید. در بسیاری از خانواده‌ها نیز زنان چنین نقشی دارند. گاهی در یک خانه، خانمی با تشویق همسر و فرزندانش آنان را به حضور در یک اجتماع یا دفاع از یک ارزش دینی ترغیب می‌کند. نباید این اقدامات را کوچک شمرد.

بنابراین، همه قرار نیست عمار یا مالک اشتر باشند. همه نمی‌توانند سلمان یا ابوذر شوند. اما هرکسی می‌تواند در اندازه توان و جایگاه خودش نقشی در دفاع از حق ایفا کند.

آیا هوش مصنوعی موجب مرگ خلاقیت می‌شود؟

در طول تاریخ، هر فناوری تازه‌ای که توانایی‌های انسان را گسترش داده، همزمان نگرانی‌هایی درباره آینده او ایجاد کرده است. اختراع ماشین چاپ، ظهور عکاسی، گسترش سینما و ورود رایانه‌ها، همگی در دوره‌ای با این پرسش روبه‌رو شدند که آیا ابزارهای جدید، ارزش مهارت‌های انسانی را کاهش خواهند داد؟ امروزه ظهور و اوج‌گیری هوش مصنوعی، این پرسش را با شدتی بی‌سابقه مطرح کرده است: اگر ماشین بتواند شعر بسراید، موسیقی بسازد، تصویر خلق کند، داستان بنویسد و حتی ایده‌هایی تازه پیشنهاد دهد، جایگاه خلاقیت انسانی چه خواهد شد؟ آیا هوش مصنوعی به ابزاری برای شکوفایی استعدادهای انسان تبدیل می‌شود یا به‌تدریج توانایی اندیشیدن و آفرینش مستقل را در او از بین می‌برد؟

پاسخ به این پرسش، برخلاف تصور رایج، نه کاملا مثبت و نه کاملا منفی است. هوش مصنوعی به‌خودی‌خود موجب مرگ خلاقیت نمی‌شود اما نحوه استفاده از آن می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی یا تضعیف خلاقیت باشد. مساله اصلی، نه صرفا قدرت هوش مصنوعی، بلکه رابطه‌ای است که انسان با آن برقرار می‌کند.

خلاقیت چیست و چرا نمی‌توان آن را به تولید یک اثر تقلیل داد؟

برای بررسی تاثیر هوش مصنوعی، ابتدا باید میان تولید محتوا و خلاقیت تمایز قائل شویم. تولید محتوا به معنای ساختن یک متن، تصویر یا قطعه موسیقی است اما خلاقیت، مفهومی گسترده‌تر دارد. خلاقیت شامل توانایی طرح پرسش‌های تازه، برقراری ارتباط میان ایده‌های ظاهرا نامرتبط، شکستن الگوهای تثبیت‌شده و یافتن راه‌حل‌هایی است که پیش‌تر به ذهن نرسیده‌اند. از این منظر، خلاقیت تنها در محصول نهایی خلاصه نمی‌شود بلکه فرآیندی است که تجربه، احساس، تخیل، تردید، شکست و بازاندیشی را در بر می‌گیرد. یک شاعر ممکن است شعری بنویسد که ریشه در فقدان، عشق یا تجربه‌ای شخصی دارد. ارزش چنین شعری فقط به انتخاب واژه‌ها محدود نیست، بلکه به معنایی نیز وابسته است که شاعر از زندگی خود استخراج کرده است.

هوش مصنوعی می‌تواند الگوهای زبانی را تحلیل کند و متنی بسازد که از نظر ساختار و بیان، بسیار شبیه آثار انسانی باشد. با این حال، تولید متنی درباره رنج با تجربه زیسته رنج یکسان نیست. البته این تمایز به آن معنا نیست که هر اثر تولیدشده با هوش مصنوعی بی‌ارزش است بلکه نشان می‌دهد کیفیت فنی یک اثر و معنایی که در تجربه انسانی ریشه دارد، دو موضوع متفاوت هستند.

هوش مصنوعی و نسبت آن با تقویت خلاقیت

دیدگاهی وجود دارد که تاکید می کند هوش مصنوعی نه دشمن خلاقیت، بلکه گسترش‌دهنده توانایی‌های آن است. این فناوری می‌تواند موانعی را کاهش دهد که در گذشته افراد را از بیان ایده‌هایشان بازمی‌داشتند. برای مثال، فردی ممکن است ایده‌ای برای ساخت فیلم داشته باشد، اما دانش کافی در زمینه تدوین، طراحی بصری یا نگارش فیلمنامه نداشته باشد. هوش مصنوعی می‌تواند به او در سازماندهی ایده‌ها، تولید نمونه‌های اولیه و بررسی گزینه‌های مختلف کمک کند. همچنین نویسنده‌ای که با بن‌بست ذهنی مواجه شده است، می‌تواند از آن برای یافتن زاویه دیدی متفاوت یا بررسی مسیرهای روایی تازه استفاده کند.

در چنین شرایطی، هوش مصنوعی نقش یک همکار فکری را ایفا می‌کند. ابزاری که سرعت آزمایش ایده‌ها را افزایش می‌دهد و امکان بررسی راه‌های بیشتری را فراهم می‌سازد. این قابلیت می‌تواند فرصت آفرینش را از انحصار افرادی که به آموزش تخصصی، تجهیزات گرانقیمت یا منابع گسترده دسترسی دارند، خارج کند. افزون بر این، خلاقیت اغلب حاصل ترکیب دانش‌های گوناگون است. هوش مصنوعی می‌تواند به فرد کمک کند ارتباط میان حوزه‌هایی مانند زیست‌شناسی، معماری، موسیقی و فلسفه را کشف کند. بنابراین، استفاده آگاهانه از این فناوری ممکن است به تولید ایده‌هایی منجر شود که شکل‌گیری آن‌ها بدون چنین ابزاری دشوارتر بود.

وقتی ابزار به‌جای انسان فکر می‌کند

با وجود این مزایا، نگرانی مهمی وجود دارد. آیا دسترسی دائمی به پاسخ‌های آماده، انسان را از تمرین اندیشیدن مستقل بی‌نیاز می‌کند؟ خلاقیت مهارتی است که با تمرین، تجربه و مواجهه با دشواری رشد می‌کند. نویسنده از طریق نوشتن و بازنویسی می‌آموزد، طراح با آزمودن ترکیب‌های ناموفق پیشرفت می‌کند و پژوهشگر با برخورد با پرسش‌هایی که پاسخ فوری ندارند، به ایده‌های تازه می‌رسد. اگر هوش مصنوعی تمام این مراحل را به سرعت انجام دهد، ممکن است انسان به‌جای یادگیری فرایند آفرینش، صرفا مصرف‌کننده نتیجه نهایی شود.

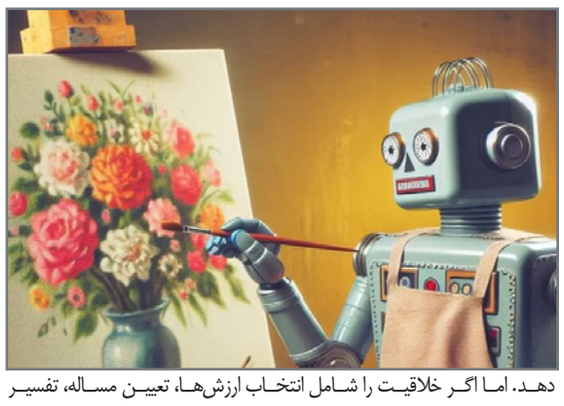
*وبگاه تحلیلی Harvard Business Review در گزارشی به این نکته اشاره می کند که بر پایه برخی پژوهش ها، استفاده از هوش مصنوعی، موجب ایجاد اعتماد به نفس در افراد می شود اما لزوما کارایی آن ها را بهبود نمی بخشد. موضوعی که در مواجهه با آن باید هوشیار بود.

برای مثال، دانشجویی را تصور کنید که به‌جای تلاش برای تحلیل یک مساله، از هوش مصنوعی می‌خواهد پاسخ کامل آن را تولید کند. او ممکن است متنی منسجم و حتی قانع‌کننده دریافت کند، اما فرصت مواجهه با ابهام، آزمودن استدلال‌ها و شکل‌دادن به دیدگاه شخصی خود را از دست بدهد. در این وضعیت، محصول نهایی بهتر شده است، اما لزوما توانایی فرد افزایش نیافته است.

خطر دیگر، یکسان‌سازی آثار است. مدل‌های هوش مصنوعی معمولا از الگوهای موجود در داده‌های آموزشی بهره می‌گیرند. اگر کاربران نیز خروجی‌های نخستین آن‌ها را بدون ارزیابی و اصلاح بپذیرند، ممکن است محتواهایی استاندارد، قابل‌قبول و درعین‌حال شبیه به یکدیگر تولید شود. نتیجه می‌تواند جهانی باشد که در آن آثار فراوان هستند، اما صداهای متمایز کمتر شنیده می‌شوند.

آیا خلاقیت انسانی واقعا قابل جایگزینی است؟

پاسخ به این پرسش به تعریف ما از خلاقیت بستگی دارد. اگر خلاقیت را صرفا توانایی تولید محصولی تازه و کاربردی بدانیم، هوش مصنوعی در برخی حوزه‌ها می‌تواند بخش مهمی از فعالیت‌های خلاقانه را انجام دهد. اما اگر خلاقیت را شامل انتخاب ارزش‌ها، تعیین مساله، تفسیر تجربه انسانی و تصمیم‌گیری درباره معنای اثر نیز بدانیم، مساله پیچیده‌تر می‌شود. یک اثر هنری فقط به این دلیل ارزشمند نیست که کسی پیشتر آن را تولید نکرده است. گاهی اهمیت آن در این است که پرسشی اخلاقی مطرح می‌کند، تجربه‌ای فراموش‌شده را به یاد می‌آورد یا مخاطب را وادار می‌کند جهان را از زاویه‌ای متفاوت ببیند. انسان‌ها آثار را در بستر تاریخ، فرهنگ، روابط اجتماعی و تجربه‌های مشترک تفسیر می‌کنند.



البته نباید نتیجه گرفت که هوش مصنوعی هیچ‌گاه نمی‌تواند در تولید آثار تاثیرگذار مشارکت کند. یک اثر مشترک میان انسان و ماشین ممکن است از نظر زیبایی‌شناختی یا فکری ارزشمند باشد. پرسش اساسی این است که چه کسی مساله را انتخاب کرده، چه کسی تصمیم‌های نهایی را گرفته و مسوولیت پیامدهای اثر را بر عهده دارد.

مسوولیت ما در عصر هوش مصنوعی

برای جلوگیری از تضعیف خلاقیت، کنار گذاشتن هوش مصنوعی راه‌حل کافی نیست. آنچه اهمیت دارد، پرورش شیوه‌ای انتقادی و هدفمند در استفاده از آن است. در آموزش، بهتر است دانش‌آموزان و دانشجویان ابتدا فرصت داشته باشند مستقل فکر کنند و سپس از هوش مصنوعی برای نقد، مقایسه یا گسترش ایده‌های خود بهره ببرند. در هنر و نویسندگی نیز می‌توان از این فناوری برای پیشنهاد گزینه‌ها استفاده کرد، بدون آنکه انتخاب و داوری نهایی را به آن واگذار کرد.

همچنین باید برای اصالت اثر، شفافیت در استفاده از ابزارها و رعایت حقوق پدیدآورندگان اهمیت قائل شد. اگر نظام‌های آموزشی و اقتصادی صرفا سرعت تولید و حجم خروجی را پاداش دهند، وابستگی به پاسخ‌های آماده افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر تفکر مستقل، اصالت دیدگاه و توانایی پرسیدن سوال‌های مهم ارزشمند باشند، هوش مصنوعی می‌تواند در خدمت خلاقیت قرار گیرد.

مرگ خلاقیت یا آغاز تعریفی تازه؟

هوش مصنوعی لزوما قاتل خلاقیت نیست اما می‌تواند شرایطی ایجاد کند که در آن خلاقیت انسانی به‌تدریج کمرنگ شود. این خطر زمانی جدی می‌شود که انسان از اندیشیدن، تجربه‌کردن و تصمیم‌گرفتن صرف‌نظر



روایت نظارت در سازمان اوقاف

محسن ضیایی، معاون دفتر مدیریت عملکرد سازمان اوقاف و امور خیریه، در تشریح جزئیات فعالیت‌های این دفتر گفت: ارزیابی مجموعه ستاد سازمان همه‌ساله از سوی سازمان اداری و استخدامی کشور بر اساس شاخص‌های اختصاصی و عمومی تمامی دستگاه‌ها انجام می‌شود. خوشبختانه سال گذشته سازمان اوقاف توانست در مجموع دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رتبه برتر را کسب کند و در شاخص‌های عمومی □ که شامل بیش از ۱۴۰ عنوان در حوزه‌های امور اداری و منابع انسانی، برنامه و بودجه، مالی، فرهنگی و... است □ حائز رتبه برتر شود.

وی با اشاره به راه‌اندازی «نظام جامع مدیریت عملکرد» در مجموعه اوقاف افزود: ما این ارزیابی را بومی‌سازی کرده و به ستاد و استان‌ها تسری داده‌ایم. این سیستم به ما اجازه می‌دهد علاوه بر ارزیابی کلان دستگاه، مدیران کل و رؤسای ادارات را نیز بر اساس شاخص‌های دقیق ارزیابی کنیم.

معاون دفتر مدیریت عملکرد اوقاف، شاخص‌های ارزیابی مدیران را شامل ۱۶ آیتم کلیدی دانست و تصریح کرد: میزان تسلط، قدرت تجزیه و تحلیل، خلاقیت و ابتکار، اقتدار و برنامه‌ریزی، خرد جمعی، تسلط بر قوانین و مقررات، استفاده از فناوری‌های روز، سواد رسانه‌ای، تسلط به سامانه اتوماسیون، اجرای دقیق برنامه‌ها و پیگیری دستورات ابلاغی از سوی ستاد»* از جمله شاخص‌هایی است که عملکرد مدیران و رؤسای ادارات بر مبنای آن‌ها سنجیده می‌شود.

از نظارت‌های برنامه‌محور تا بیش از ۷۰ مورد بازرسی ویژه میدانی

در حوزه بازرسی، ضیایی به تنوع مدل‌های نظارتی اشاره کرد و گفت: بخشی از بازرسی‌ها بر اساس دستور مستقیم رئیس سازمان انجام می‌شود و بخشی دیگر برنامه‌محور هستند؛ مانند نظارت بر رویدادهای بزرگی همچون طرح آرامش بهاری، خیمه معرفت اربعین، هفته وقف، مسابقات قرآن و غیره که بر اساس آن‌ها به استان‌ها امتیاز داده می‌شود.

وی با تأکید بر بخش اصلی بازرسی‌های ویژه افزود: از زمان حضور حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی تاکنون، اکثر استان‌ها بیش از دو بار به صورت حضوری مورد بازرسی قرار گرفته‌اند و بقاع متبرکه و موقوفات آن‌ها رصد شده‌اند. با توجه به پراکندگی موقوفات، در برخی استان‌ها بازدیدهای سالانه داریم و در مجموع طی این سال‌ها حدود ۶۰ تا ۷۰ مورد بازرسی ویژه انجام شده است.

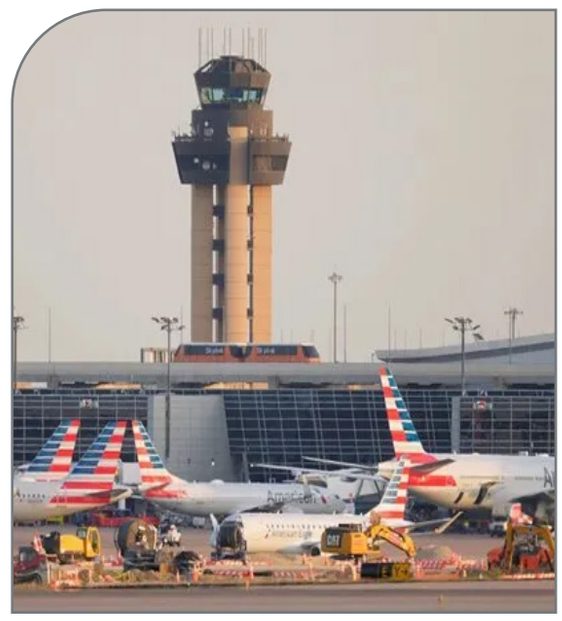
ضیایی با اشاره به ترکیب تیم‌های بازرسی متشکل از کارشناسان حوزه‌های اجارات، ثبتی، حقوقی، فرهنگی و مالی خاطرنشان کرد: خروجی این بازدیدها ضمن ارائه به ریاست محترم سازمان و اخذ رهنمودهای ایشان، تا حصول نتیجه نهایی از طریق رده‌های تخصصی در ستاد و استان پیگیری می‌شود تا نقاط قابل بهبود و مشکلات مرتفع گردد.

شفافیت در پاسخگویی به شکایات و کسب رتبه برتر در سامانه فوریت‌های اداری (فواد)

معاون دفتر مدیریت عملکرد اوقاف، پاسخگویی به شکایات را نشانه‌ای بارز از شفافیت سازمان دانست و گفت: ارباب‌رجوع انتظار دارد گزارش یا درخواست خود را مستقیماً به مجموعه‌ای نظارتی که زیر نظر رئیس سازمان است ارائه دهد. از ابتدای سال جاری و با توجه به شرایط کشور، بیش از ۲۷۰ مورد مراجعه حضوری افراد را داشته‌ایم. این به معنای وجود مشکل نیست، بلکه ویترینی از شفافیت اوقاف است تا هر شخص اگر حق و حقوقی دارد، با اطمینان پیگیری کند.

وی به فعال بودن سامانه‌های مختلف نظارتی اشاره کرد و افزود: سامانه سامد (مربوط به نهاد ریاست جمهوری و ارتباطات مردمی) سامانه ۱۳۶ (گزارش‌ها و شکایات ارسالی از سوی سازمان بازرسی کل کشور) سامانه پاسخگویی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سامانه اختصاصی بازسازی‌شده توسط سازمان اوقاف از جمله این سامانه‌ها هستند.

ضیایی همچنین به ابلاغ سامانه جدید سازمان اداری و استخدامی کشور تحت عنوان سامانه ۱۲۸ یا فوریت‌های اداری (فواد) با تأکید معاون اول رئیس‌جمهور اشاره کرد و گفت: اگر ارباب‌رجوع در مراجعه به ادارات با تعطیلی یا نقص خدمت مواجه شود، بلافاصله از طریق سامانه فواد ارتباط برقرار



ادعای مقام اداره هوانوردی آمریکا

به نقل از خبرگزاری الجزیره، در پی لغو بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ پرواز در آمریکا در روز شنبه، مقام اداره هوانوردی فدرال آمریکا (FAA) در سخنانی اعلام کرد: این اختلال ناشی از مشکلی در تجهیزات است؛ ما در حال تلاش برای تعیین علت دقیق آن هستیم.

این مقام اداره هوانوردی فدرال آمریکا در این خصوص اضافه کرد: این اختلال به دلیل نصب نادرست، پیکربندی اشتباه یا خرابی در یکی از روترهای شبکه رخ داده است.

این در حالیست که شان دافی وزیر حمل و نقل آمریکا ساعاتی پیش در سخنانی با تلاش برای کم رنگ جلوه دادن مشکلات جاری در کشورش ادعا کرد: پس از اختلالی که دیروز جمعه رخ داد، به روال عادی و کامل پروازها بازگشته ایم. هنگامی که دستور توقف پروازها صادر شد، ۵۰۰ هواپیما در آسمان بودند که همگی به‌سلامت فرود آمدند.

وزیر حمل و نقل آمریکا مدعی شد: این اختلالات در جریان عملیات تعمیر و نگهداری برای تبدیل کابل ها از حالت آنالوگ به دیجیتال رخ داد. ما از تجهیزات قدیمی کنترل تردد هوایی استفاده می‌کنیم که دهه ها از عمرشان می‌گذرد و باید جایگزین شوند. هنوز مشخص نیست که آیا اختلال در پروازها ناشی از یک مشکل فنی در روترها بوده یا به دلیل ناکارآمدی در عملیات رخ داده است. از کار افتادن سامانه‌های ناوبری هوایی، نتیجه یک حمله سایبری نبوده است!

در همین رابطه، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به شبکه فاکس‌نیوز گفت: نوسازی سامانه کنترل تردد هوایی نباید به موضوعی جناحی تبدیل شود. برای پی بردن به ضرورت ارتقای سامانه کنترل تردد هوایی نیازی به انجام تحقیقات نیست، چرا که قدمت برخی از تجهیزات آن به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد.

حمله به ایران اشتباه بود؛ تهران قوی‌تر هم شده است



وزیر امور خارجه سابق آمریکا در سخنانی با تأکید بر فرار ترامپ از واقعیت درباره تهران، اذعان کرد: اقدام نظامی علیه ایران یک اشتباه بود. تهران در واقع بعد از جنگ با ما قوی‌تر هم شده است.

به نقل از رویترز، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در اظهاراتی درباره ایران اعلام کرد: آن گزینه ای که ترامپ انتخاب کرد یعنی اقدام نظامی به باور من اشتباه بود؛ چرا که تمام دولت های پیشین نیز این گزینه را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده بودند که چنین اقدامی باید واقعا آخرین راه چاره باشد.

وزیر امور خارجه سابق آمریکا در این خصوص گفت: حتی اگر دست به چنین کاری می‌زدید، شاید می‌توانستید ایران را برای مدتی به عقب برانید، اما در واقع این عقب‌گرد احتمالا تنها در حد یکی ۲ سال می‌بود. در عوض، برنامه [هسته‌ای] آن‌ها در اعماق بیشتری از زمین پنهان می شد و آن ها دوباره بازمی گشتند و حتی فعالیت های گسترده تری انجام می‌دادند.

آنتونی بلینکن سپس اضافه کرد: اگرچه آشکارا راه خروجی برای رئیس جمهور وجود داشته و همچنان هم وجود دارد، اما مشکل این راه خروج در آن است که مستلزم پذیرش این واقعیت است که او موفق نشده است. زیرا این راه خروج نیازمند نوعی سازش با ایران است؛ و این همان چیزی است که او از پذیرفتنش می‌گریزد.

بلینکن گفت: هنوز راهی برای خروج از این وضعیت وجود دارد. به گمانم دستیابی به یک توافق و یک راه حل دیپلماتیک، کاملاً امکان‌پذیر است. اما در چارچوب چنین راه حلی، ممکن است اقدامات ایران در برنامه هسته‌ای اش تفاوت چندانی با آنچه در توافق لغو توسط ترامپ (برجام) وجود داشت، نداشته باشد، و قطعاً هم بهتر از آن نخواهد بود. پذیرفتن این واقعیت برای او بسیار دشوار است.

وی سپس افزود: در مورد تنگه هرمز که پیش از آغاز این جنگ مسئله‌ساز نبود، اکنون با مشکلی روبرو هستیم که باید به آن رسیدگی شود. و این تصمیم تقریباً به‌طور قطع امتیازی به ایران می‌دهد. اصلاً دلم نمی‌خواهد چنین چیزی بگویم، اما شاید واقعیت همین باشد: نوعی «عوارض» که البته نامش را عوارض نمی‌گذارند.

وزیر امور خارجه سابق آمریکا افزود: وسعت ایران ۴ برابر کالیفرنیا و ۳ برابر عراق است. این کشور ۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد. آن نوار ساحلی در امتداد تنگه هرمز، پایانی ندارد. سلاح هایی که ایران همچنان تولید می‌کند، در عمق خاک این کشور مستقر هستند و برد آن ها آن‌قدر زیاد است که نمی توان به‌سادگی همه آن‌ها را از بین برد. برای انجام چنین کاری، احتمالاً به نوعی تهاجم زمینی نیاز خواهد بود که این خود فاجعه‌ای تمام عیار به شمار می‌آید. ایران در واقع در مقایسه با زمانی که این ماجرا آغاز شد، در منطقه در جایگاه قوی‌تری قرار گرفته است.

بازتاب پیامدهای جنگ علیه ایران در رسانه‌های جهان

از آغاز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نه‌تنها اهداف اعلامی این عملیات محقق نشد، بلکه به اذعان مقامات غربی و رسانه های آمریکایی، بن‌بست راهبردی و شکست‌های میدانی و سیاسی بر متجاوزان تحمیل شد. این جنگ که با حملات گسترده و کشتار غیرنظامیان از جمله دانش‌آموزان بی‌گناه آغاز شد، به‌سرعت ابعاد انسانی، امنیتی و اقتصادی گسترده‌ای پیدا کرد و واکنش‌های متفاوتی را در رسانه‌های بین‌المللی برانگیخت.

رسانه‌های جهان هر یک با رویکردهای خاص خود، تلاش کرده‌اند روایت این جنگ را شکل دهند؛ بررسی این بازتاب‌ها می‌تواند تصویری روشن‌تر از وضعیت واقعی جنگ و چشم‌انداز آن ارائه دهد.

رسانه های انگلیسی

رویترز در گزارشی نوشت دونالد ترامپ در روزهای اخیر به مشاوران ارشد خود گفته است اگر آمریکا با تحریک تازه‌ای از سوی تهران یا یمن روبه‌رو نشود، ممکن است از حمله به ایران صرف‌نظر کند. به نوشته این خبرگزاری، ترامپ میان تهدید به تشدید جنگ با حملات تازه و کاهش تنش در نوسان بوده و مقام‌های کنونی و پیشین می‌گویند او هنوز درباره نحوه پایان دادن به این درگیری نامحبوب که در فوریه با اسرائیل آغاز کرد، تصمیم قطعی نگرفته است. بر پایه گزارش، او در نشست‌های امنیت ملی و پس از مجموعه‌ای از گزارش‌های اطلاعاتی از احتمال تعویق حملات سخن گفته و به متحدان منطقه‌ای که از او خواسته‌اند به جنگ تمام‌عیار بازنگردد، ابراز همدلی کرده است. رویترز می‌افزاید محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در تماس‌های دو هفته گذشته او را از از سرگیری حملات برحذر داشته‌اند.

به نوشته این خبرگزاری، آمریکا یک ناو هواپیمابر سوم را به منطقه می‌فرستد و در صورت نیاز هر سه ناو می‌توانند بمانند؛ همزمان مقام‌های اسرائیلی برای کارزار نظامی تازه فشار می‌آورند. بر پایه گزارش، ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد محاصره دریایی و تحریم‌ها اقتصاد ایران را تحت فشار گذاشته، اما حملات تازه مطالبات تهران در مذاکرات را به‌طور معنادار تغییر نمی‌دهد. رویترز همچنین به نظرسنجی خود با ایپسوس اشاره می‌کند که ۵۵ درصد آمریکایی‌ها جنگ را ارزش هزینه‌اش نمی‌دانستند و جی‌دی ونس نیز آن را دلیل از دست رفتن کنگره توسط جمهوری‌خواهان خواند.

تایم در گزارشی به قلم جاستین ورلند نوشت فاتح بیرول، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی، در حاشیه نشست اقلیمی کوپ۳۱ در آنتالیای ترکیه گفت هیچ مسیر معتبری وجود ندارد که جهان انرژی به وضعیت پیش از جنگ ایران بازگردد. به نوشته این نشریه، بیرول این تغییر را ساختاری خواند و توضیح داد تمرکز بر امنیت انرژی به افزایش انرژی‌های تجدیدپذیر، زیرا امکان تولید محلی دارند، و به اقدام‌های بهره‌وری برای کاهش مصرف سوخت و آسیب‌پذیری کشورها در برابر شوک‌ها می‌انجامد. بر پایه گزارش، برنامه‌های تنوع اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت، مشارکت‌های تجاری تازه و سرمایه‌گذاری در فناوری‌هایی مانند باتری‌های نسل جدید و انرژی هسته‌ای نیز با هدف حفاظت از عرضه انرژی در دستور کار قرار گرفته است. بیرول گفت کشورها به جای وارد کردن انرژی، تصمیم گرفته‌اند انرژی بسازند.



به نوشته تایم، برق‌رسانی محور مهم نشست آنتالیا است؛ اکنون کمتر از یک‌چهارم مصرف نهایی انرژی از برق تأمین می‌شود و ریاست کوپ۳۱ می‌کوشد کشورها متعهد شوند تا سال ۲۰۳۵ برق ۳۵ درصد مصرف نهایی انرژی را تأمین کند. بر پایه گزارش، برق‌رسانی روابط تجاری را بازشکل می‌دهد و سرمایه‌گذاری در بخش نیرو را افزایش می‌دهد؛ آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش ویژه سپتامبر خود پیش‌بینی کرده سرمایه‌گذاری سالانه جهانی در تولید برق، ذخیره‌سازی باتری و شبکه‌ها در سناریوی رشد جدی برق‌رسانی تا سال ۲۰۳۵ به ۲٫۵ تریلیون دلار برسد که یک تریلیون دلار بیشتر از سال گذشته است. بیرول در پایان گفت دو سال پیش اعلام کردیم وارد عصر برق شده‌ایم و امروز با نگاه به آمار می‌توان گفت در عصر برق هستیم.

سی‌ان‌ان در گزارشی نوشت ایران اعلام کرد بامداد جمعه یک پایگاه نظامی آمریکا در بحرین را در تلافی حمله آمریکا به خاک ایران هدف قرار داد؛ نخستین تلاش تهران برای حمله به تأسیسات نظامی در یکی از کشورهای خلیج فارس در بیش از دو ماه گذشته. به نوشته این شبکه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد نیروی هوافضای سپاه در پاسخ به تجاوز هوایی دشمن به یک برج مخابراتی در سیریک، رادار هشدار زودهنگام ارتش آمریکا در بحرین را هدف قرار داد و نابود کرد و آن را «هشداری جدی» به واشنگتن خواند.

همزمان، رومن گوفمن، رئیس سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد)، جمعه در واشنگتن بود؛ سفری که در پی تلاش بنجامین نتانیاهو برای بازگرداندن دولت ترامپ به جنگ با ایران انجام شد. دو منبع اسرائیلی می‌گویند نتانیاهو حتی حمله یک‌جانبه اسرائیل به ایران را بررسی کرده، اما برای اجرای آن به تأیید ترامپ نیاز دارد. گادی آیزنکوت، رقیب اصلی نتانیاهو، نیز از نخست‌وزیر گزارش امنیتی خواسته و دریافت کرده است. به نوشته سی‌ان‌ان، ترامپ یک روز پیش از حمله ایران گفت آمریکا دیگر به توافق با تهران نیاز ندارد و به جی‌دی ونس دستور داد تمرکز خود را بر مبارزه با فساد و جرم در ایالت‌ها و شهرهای تحت کنترل دموکرات‌ها بگذارد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، دوشنبه گفت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، به دولت دستور داده است وضعیت «نه جنگ و نه صلح» را پایان دهد و جنگ با آمریکا را «با عزت» تمام کند.

بر پایه گزارش، حملات به کشتیرانی در تنگه هرمز به رکورد تازه رسیده؛ اکتبر با ۳۷ حمله به کشتی‌ها بالاترین رقم ماهانه جنگ بود و دست‌کم ۱۴ حمله دیگر در نوامبر تأیید شده است. با این حال نفت همچنان از این گذرگاه عبور می‌کند و آژانس بین‌المللی انرژی گفت بازار نفت نشانه‌های محتاطانه‌ای از بازتعادل نشان می‌دهد و عرضه جهانی برای نخستین بار از آغاز جنگ از تقاضا پیشی گرفته است. ایران هشدار داده هر تشدید تازه در جنگ، دامنه حملاتش را به‌طور چشمگیر گسترش می‌دهد و ممکن است منافع آمریکا را تا اروپا هدف بگیرد.

رسانه های عربی

الجزیره در مقاله ای نوشت: مأموریت گادی آیزنکوت برای تشکیل دولت جدید اسرائیل، ضربه‌ای به شانس بنیامین نتانیاهو برای حفظ قدرت است، اما لزوماً به معنای تغییر بنیادین سیاست‌های اسرائیل در منطقه نیست. آیزنکوت، رئیس سابق ستاد ارتش، به‌لحاظ دیدگاه‌های راهبردی تفاوت اساسی با نتانیاهو ندارد و اختلاف اصلی آن‌ها احتمالاً در شیوه مدیریت بحران‌ها، روابط با آمریکا و میزان نفوذ راست افراطی است. با این حال، تشکیل دولت برای او به‌دلیل اختلافات احزاب و مسئله همکاری با احزاب عربی دشوار خواهد بود.

در قبال فلسطین، تغییر نخست‌وزیر الزاماً به معنای پایان جنگ غزه، توقف شهرک‌سازی یا پذیرش حقوق فلسطینیان نیست. در سوریه نیز احتمال دارد اسرائیل همچنان از پرونده سویدا و حمایت از برخی جریان‌های مسلح برای اعمال فشار بر دمشق استفاده کند؛ هرچند نباید مواضع این جریان‌ها را به همه دروزی‌های سوریه تعمیم داد. در قبال ایران نیز تغییر دولت به‌تنهایی محاسبات امنیتی اسرائیل را دگرگون نمی‌کند و احتمالاً فقط شیوه تقابل و هماهنگی با واشنگتن تغییر خواهد کرد.

رأی الیوم در مقاله ای نوشت: انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در ۴ نوامبر با پیروزی دموکرات‌ها و تسلط آنان بر هر دو مجلس کنگره، به همه‌پرسی علیه عملکرد دولت دونالد ترامپ تبدیل شد. افزایش بیکاری، تورم، هزینه‌های زندگی و فشار اقتصادی ناشی از جنگ، نارضایتی گسترده خانوادههای آمریکایی را برانگیخت و حتی پایگاههای سنتی جمهوری‌خواهان را نیز تحت تأثیر قرار داد.



بن‌بست ترامپ در جنگ علیه ایران

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، معادلات امنیتی و سیاسی غرب آسیا را وارد مرحله‌ای تازه کرده و پیامدهای آن از میدان‌های نظامی فراتر رفته و به اقتصاد جهانی، بازار انرژی و مناسبات قدرت‌های بین‌المللی گسترش یافته است. در شرایطی که واشنگتن از یک سو بر اهداف خود در تقابل با تهران تأکید می‌کند و از سوی دیگر با دشواری‌های دستیابی به نتیجه‌ای تعیین‌کننده روبه‌روست، چشم‌انداز پایان جنگ و امکان شکل‌گیری ترتیبات امنیتی جدید در منطقه با پرسش‌های جدی مواجه شده است.

در همین چارچوب، جفری ساکس، اقتصاددان برجسته آمریکایی و استاد دانشگاه کلمبیا، در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر به بررسی چشم‌انداز پایان جنگ، موانع دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن و پیامدهای ادامه رویارویی نظامی پرداخت. او معتقد است دونالد ترامپ، با وجود تمایل به حفظ وجهه سیاسی خود، نه از طریق ادامه عملیات نظامی و نه با دستیابی به یک توافق رسمی قادر به اعلام پیروزی در این جنگ خواهد بود.

ساکس با انتقاد از سیاست هژمونی‌طلبانه آمریکا و نقش متحدان غربی این کشور در تحولات منطقه، لغو محاصره ایران و خروج نیروهای آمریکایی از غرب آسیا را راه پایان دادن به درگیری‌ها دانست. او در این گفت‌وگو از ضرورت بازگشت به اصول منشور سازمان ملل، نقش بریکس و قدرت‌های نوظهور در تحولات بین‌المللی و لزوم شکل‌گیری ساختارهای امنیتی مستقل منطقه‌ای سخن گفت.

مشروح این گفتگو در ادامه می‌آید:

جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران وارد مرحله‌ای طولانی از عدم قطعیت شده است؛ در شرایطی که تلاش‌های دیپلماتیک با موانع جدی روبه‌روست و احتمال ازسرگیری رویارویی نظامی همچنان نگران‌کننده است. از نظر شما، مهم‌ترین موانع دستیابی به یک راه‌حل سیاسی پایدار چیست و برای جلوگیری از تشدید دوباره تنش‌ها چه اقداماتی لازم است؟

مهم‌ترین مانع این است که دولت آمریکا و به‌ویژه ترامپ نمی‌خواهند ضعیف به نظر برسند، اما نمی‌توانند در میدان نبرد یا از طریق یک توافق رسمی به پیروزی برسند. به همین دلیل، من مدت‌هاست از پایان درگیری‌ها بدون هیچ‌گونه توافق رسمی حمایت کرده‌ام.

چنین پایانی برای درگیری‌ها، امنیت ایران را حفظ می‌کند، به ویرانی‌ها پایان می‌دهد، تنگه هرمز را باز می‌کند و به ترامپ اجازه می‌دهد هرچه می‌خواهد بگوید. آمریکا باید صرفاً محاصره را لغو کند و به خانه بازگردد.

در مورد تحریم‌ها، متأسفانه بعید است آمریکا به‌زودی آن‌ها را لغو کند، اما ایران همچنان شرکای تجاری فراوانی خواهد داشت؛ همان‌طور که روسیه نیز چنین وضعیتی دارد.

ترامپ طی یکی دو روز گذشته با بیان اینکه نیازی به توافق نیست و ونس باید مذاکرات را متوقف کند، به پایان دادن به درگیری‌ها بدون توافق اشاره کرد. البته ترامپ هنوز محاصره را لغو نکرده است. آمریکا اکنون باید بدون هیچ هیاهویی، در عمل محاصره را لغو کند و به‌سادگی منطقه را ترک کند.

با توجه به سابقه بی‌اعتمادی میان تهران و واشنگتن، به‌ویژه پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ و رویارویی‌های نظامی متعاقب آن، آیا معتقدید هنوز امکان دستیابی به چارچوب دیپلماتیک جدیدی میان دو کشور وجود دارد؟ چه تضمین‌ها و تعهدات متقابلی برای پایدار ماندن چنین توافقی ضروری خواهد بود؟

خیر، تا زمانی که رئیس‌جمهور جدیدی روی کار نیاید، دولت اسرائیل به‌طور اساسی تغییر نکند و نگاه طبقه سیاسی آمریکا دگرگون نشود، احتمال شکل‌گیری چنین چارچوبی را باور ندارم.

رأی‌دهندگان آمریکایی خواهان صلح فوری هستند و بسیار جلوتر از سیاستمداران حرکت می‌کنند، اما سیاستمداران همچنان از ازدست‌دادن وجهه خود می‌ترسند.

واکنش جامعه بین‌المللی به رویارویی نظامی با ایران چه چیزی را درباره کارآمدی سازمان ملل متحد و چارچوب حقوقی بین‌المللی موجود آشکار می‌کند؟ برای تضمین پاسخ‌گویی در قبال نقض حقوق بین‌الملل و جلوگیری از تکرار درگیری‌های مشابه در آینده، چه سازوکارهایی باید فعال شوند؟

شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌شدت شکست خورد. دولت‌های دست‌نشانده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد در واقع به‌جای محکوم کردن اسرائیل و آمریکا، ایران را محکوم کردند!

تصمیم‌های پرحاشیه بنزینی؛ جای خالی سیاست جامع و سخنگوی واحد

بنزین در ایران تنها یک کالای مصرفی نیست؛ با هزینه رفت‌وآمد، اشتغال، دسترسی به درمان و حتی امکان سکونت در مناطق دور از مراکز شهری ارتباط دارد. به همین دلیل، هر تغییری در شیوه عرضه، سهمیه‌بندی یا دسترسی به آن، آثاری فراتر از جایگاه‌های سوخت بر زندگی مردم می‌گذارد. سیاست‌گذاری در این حوزه، علاوه بر محاسبات اقتصادی، به شناخت شرایط اجتماعی و جغرافیایی، هماهنگی اجرایی و اطلاع‌رسانی روشن نیاز دارد.

دولت برای مدیریت مصرف و مقابله با قاچاق، دلایل قابل اعتنایی مطرح می‌کند؛ از فشار واردات بر منابع ارزی تا خروج غیرقانونی سوخت یارانه‌ای. بااین‌حال، داشتن مسئله‌ای واقعی، به‌تنهایی درستی هر راه‌حلی را تضمین نمی‌کند. پرسش این است که چرا تصمیم‌های بنزینی، پیش از آنکه به برنامه‌ای روشن و قابل پیش‌بینی تبدیل شوند، با روایت‌های متفاوت، ابهام درباره جزئیات و نگرانی مصرف‌کنندگان همراه می‌شوند؟

پاسخ را باید در فاصله میان «مدیریت عرضه بنزین» و «سیاست جامع حمل‌ونقل و انرژی» جست‌وجو کرد؛ فاصله‌ای که باعث می‌شود محدودکردن دسترسی، زودتر از اصلاح عوامل مصرف در دستور کار قرار گیرد.

تصمیم واحد، روایت‌های متعدد؛ مسئول پاسخ‌گویی کیست؟

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، از جمع‌آوری تدریجی کارت‌های سوخت جایگاه‌داران با هدف جلوگیری از قاچاق خبر داده و گفته است این اقدام تاکنون در ۱۲ استان اجرا شده است. او همچنین از پیش‌بینی سهمیه جبرانی برای معلمان، صیادان و کادر درمان سخن گفته است. این توضیحات، جهت کلی سیاست را نشان می‌دهد، اما برای پاسخ‌گویی به نیاز روزمره مردم کافی نیست.

مصرف‌کننده باید بداند پس از پایان سهمیه چه می‌کند، سوخت مازاد را از کجا و با چه نرخی می‌خرد، سهمیه جبرانی بر چه مبنایی تعلق می‌گیرد و مسئول رسیدگی به موارد پیش‌بینی‌نشده کدام دستگاه است. وقتی پاسخ این پرسش‌ها هم‌زمان با اعلام تصمیم منتشر نشود، فضای خالی اطلاعات با برداشت‌های متفاوت و شایعه پر می‌شود.

مسئله صرفاً تعدد اظهارنظرها نیست؛ دستگاه‌های مختلف ممکن است مسئولیت‌های متفاوتی داشته باشند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که این اظهارات به یک سند اجرایی مشترک، تقویم مشخص و مرجع پاسخ‌گوی واحد متصل نباشد. در چنین وضعی، شهروند نمی‌تواند تشخیص دهد کدام سخن تصمیم نهایی است، کدام پیشنهاد و کدام وعده‌ای وابسته به فراهم‌شدن زیرساخت‌ها.

تعیین سخنگوی واحد برای سیاست بنزینی، به معنای حذف اطلاع‌رسانی دستگاه‌ها نیست؛ به معنای یکپارچه‌کردن پیام دولت است. این سخنگو باید به اطلاعات اجرایی دسترسی داشته باشد و بتواند درباره استثناها، تغییرات و مشکلات پاسخ معتبر بدهد. البته سخنگو جای سیاست منسجم را نمی‌گیرد؛ اگر تصمیم در درون دولت نهایی نشده باشد، هماهنگ‌ترین اطلاع‌رسانی نیز ابهام را برطرف نمی‌کند.

خودروی پرمصرف؛ هزینه‌ای که نباید فقط از مردم مطالبه شود

یکی از ضعف‌های اساسی در بحث بنزین، تمرکز بر میزان مصرف راننده بدون توجه کافی به ویژگی خودرویی است که در اختیار او قرار دارد. مصرف سوخت فقط محصول انتخاب فرد نیست؛ کیفیت موتور و گیربکس، وزن خودرو، وضعیت نگهداری، ترافیک، کیفیت راه و دسترسی به حمل‌ونقل عمومی نیز بر آن اثر می‌گذارد.

وقتی بخش بزرگی از مردم از خودروهای داخلی استفاده می‌کنند و امکان اقتصادی تعویض خودرو یا خرید محصول کم‌مصرف‌تر را ندارند، نمی‌توان همه مسئولیت کاهش مصرف را بر دوش آنان گذاشت. راننده می‌تواند سفر غیرضروری را حذف کند یا شیوه رانندگی خود را تغییر دهد، اما نمی‌تواند با تصمیم شخصی فناوری موتور خودرو را ارتقا دهد.

از این منظر، سیاست بنزینی باید با سیاست صنعتی پیوند بخورد. دولت لازم است روشن کند خودروسازان چه تعهد زمان‌بندی‌شده‌ای برای کاهش مصرف دارند، نظارت بر استانداردها چگونه انجام می‌شود و نوسازی خودروهای فرسوده با چه منابع و تسهیلاتی پیش می‌رود. بدون این تعهدها، محدودیت مصرف برای شهروند ملموس است، اما مسئولیت تولیدکننده کمتر دیده می‌شود.

البته اصلاح ناوگان فرایندی زمان‌بر است و نمی‌توان مدیریت ناترازی را تا پایان آن متوقف کرد. راه منطقی، اجرای هم‌زمان اقدامات فوری و اصلاحات ساختاری است؛ به‌گونه‌ای که مردم بدانند در کنار انتظار صرفه‌جویی از آنان، برای کاهش مصرف اجباری خودروها نیز برنامه‌ای قابل سنجش وجود دارد. عدالت در سیاست انرژی، فقط توزیع برابر لیتر بنزین نیست؛ توزیع منصفانه مسئولیت اصلاح نیز هست.

سبد سوخت؛ جایگزین‌ها باید پیش از محدودیت در دسترس باشند

تمرکز مستمر بر سهمیه و کارت سوخت، یک پرسش بنیادی را به حاشیه می‌برد: چرا بخش بزرگی از تقاضای حمل‌ونقل باید همچنان به بنزین وابسته بماند؟ تجربه سیاست‌گذاری در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰، به‌ویژه در توسعه خودروهای دوگانه‌سوز و جایگاه‌های سی‌ان‌جی، نشان می‌دهد متنوع‌سازی سوخت موضوع تازه‌ای نیست. مسئله، استمرار و به‌روزرسانی این مسیر است.

بازگشت به منطق سبد سوخت، به معنای تجویز یک گزینه برای همه خودروها نیست. سی‌ان‌جی می‌تواند برای بخشی از ناوگان، به‌خصوص خودروهای پرتردد شهری، جایگزین باشد؛ مشروط به دسترسی مناسب به جایگاه، ایمنی مخزن، کیفیت تبدیل و صرفه اقتصادی. در عین حال، توسعه آن باید با محدودیت‌های فصلی تأمین گاز هماهنگ شود تا ناترازی از بخشی به بخش دیگر منتقل نشود.



ال‌پی‌جی نیز تنها در قالب زنجیره رسمی تأمین، تجهیزات استاندارد و نظارت ایمنی قابل بررسی است. رهاکردن مصرف‌کننده میان تقاضای موجود و تبدیل‌های غیراستاندارد، جای سیاست‌گذاری را نمی‌گیرد. درباره دیزل نیز باید میان کاربردهای مختلف تفکیک کرد؛ استفاده از آن در ناوگان مناسب، به کیفیت سوخت، فناوری موتور و کنترل آلایندگی وابسته است و نسخه عمومی برای خودروهای سواری محسوب نمی‌شود.

خودروهای برقی و هیبریدی هم بخشی از راه‌حل‌اند، نه راه‌حلی فوری و بدون هزینه. قیمت خرید، زیرساخت شارژ، خدمات پس از فروش و ظرفیت تأمین برق باید در برنامه توسعه آنها دیده شود. برقی‌سازی هدفمند ناوگان پرتردد، در صورت فراهم‌بودن زیرساخت، می‌تواند نقطه شروع واقع‌بینانه‌تری از انتظار تغییر سریع همه خودروهای شخصی باشد.

بنابراین، مسئله صرفاً افزودن نام چند سوخت به اسناد نیست. سبد سوخت زمانی معنا دارد که شهروند و فعال اقتصادی بتوانند میان گزینه‌های ایمن، در دسترس و مقرون‌به‌صرفه انتخاب کنند. محدودکردن بنزین بدون ساختن این امکان، الزام به تغییر رفتار بدون فراهم‌کردن ابزار آن است.

از کنترل کارت تا اصلاح سیاست؛ مسیر کم‌حاشیه کدام است؟

جمع‌آوری کارت‌های جایگاه‌ها ممکن است یکی از مسیرهای سوءاستفاده را محدود کند، اما به‌تنهایی معادل مهار قاچاق نیست. لازم است سهم هر مسیر در خروج غیرقانونی سوخت، میزان اثربخشی محدودیت و احتمال انتقال تخلف به روش‌های دیگر بررسی شود. آمار قاچاق نیز باید با تفکیک نوع فرآورده و توضیح روش برآورد منتشر شود تا مبنای تصمیم و امکان ارزیابی آن روشن باشد.

از خانه تا نیروگاه؛ زنجیره‌ای که هوای کلانشهرها را آلوده می‌کند

افزایش مصرف گاز در بخش خانگی با آغاز فصل سرما، در شرایطی که ظرفیت تولید این سوخت نیز تحت تأثیر محدودیت‌های اخیر کاهش یافته، تأمین انرژی نیروگاه‌ها و صنایع را با چالش جدی مواجه می‌کند؛ چالشی که پیامد آن تنها به کاهش تولید یا احتمال خاموشی محدود نمی‌شود، بلکه با افزایش استفاده از سوخت‌های مایع در نیروگاه‌ها، می‌تواند بر کیفیت هوای شهرها نیز اثر بگذارد. از این رو، صرفه‌جویی در مصرف گاز دیگر صرفاً توصیه‌ای برای کاهش هزینه خانوار نیست، بلکه به ضرورتی برای حمایت از تولید، حفظ پایداری شبکه برق و کاهش فشارهای زیست‌محیطی تبدیل شده است.

گاز طبیعی سهم قابل توجهی در سبد انرژی کشور دارد و بخش عمده تولید برق ایران نیز به نیروگاه‌های حرارتی گازسوز وابسته است. با این حال، افزایش مصرف خانگی و تجاری در روزهای سرد سال، هم‌زمان با محدودیت تولید و ناترازی موجود، موجب می‌شود تأمین سوخت نیروگاه‌ها و صنایع با دشواری بیشتری همراه شود.

در چنین شرایطی، نیروگاه‌ها برای استمرار تولید برق به استفاده از سوخت دوم، از جمله گازوئیل و مازوت، روی می‌آورند؛ سوخت‌هایی که اگرچه می‌توانند بخشی از کمبود گاز را جبران کنند، اما به‌ویژه در مورد مازوت، هزینه‌های زیست‌محیطی قابل توجهی به همراه دارند.

بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی فعالان صنعت برق، از مجموع ۱۴۹ نیروگاه کشور، تنها ۱۶ نیروگاه امکان استفاده از مازوت را دارند و در فصل سرد سال نیز حدود ۱۴ نیروگاه از این سوخت استفاده می‌کنند. بنابراین، مازوت‌سوزی اگرچه یکی از راهکارهای اضطراری عبور از محدودیت گاز است، اما نه امکان جایگزینی کامل گاز را دارد و نه می‌توان پیامدهای زیست‌محیطی آن را نادیده گرفت.

کاهش ۱۳۰ میلیون مترمکعبی ظرفیت تولید گاز و فشار بیشتر بر شبکه انرژی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی صنعت انرژی کشور، کاهش ظرفیت تولید گاز در پی آسیب به بخشی از تأسیسات فرآورش و تولید این سوخت است. در حالی که ظرفیت تولید روزانه گاز کشور در بهترین شرایط سال گذشته حدود ۸۳۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شد، اکنون حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت در دسترس نیست و تولید به حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده است.

این کاهش ظرفیت در شرایطی رخ داده که مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری با آغاز فصل سرما افزایش پیدا می‌کند و همین مسئله، رقابت میان بخش‌های مختلف مصرف‌کننده را برای دسترسی به گاز تشدید خواهد کرد.

هاشم اورعی کارشناس انرژی، در تشریح وضعیت تولید و مصرف گاز کشور با اشاره به محدودیت‌های موجود، افزایش مصرف خانگی در زمستان را یکی از عوامل اصلی فشار بر تأمین سوخت نیروگاه‌ها و صنایع می‌داند.

به گفته وی، مصرف گاز در بخش صنعت و نیروگاه‌ها در مقایسه با بخش خانگی، وابستگی کمتری به تغییرات دما دارد؛ اما مصرف خانگی و تجاری به‌ویژه در بخش گرمایش، به‌شدت تحت تأثیر سرد شدن هوا قرار می‌گیرد.



یکی از عوامل تشدیدکننده آلودگی هوا در فصل سرد تبدیل شود.

اورعی با اشاره به اینکه به‌طور متوسط به ازای هر یک درجه کاهش دما، حدود ۲۵ میلیون مترمکعب به مصرف روزانه گاز بخش خانگی اضافه می‌شود، اظهار کرد: در زمستان سال ۱۴۰۳ مصرف گاز خانگی کشور به حدود ۶۵۰ میلیون مترمکعب در روز رسید.

وی توضیح داد: اگر در زمستان پیش رو مصرف خانگی و تجاری به حدود ۶۰۰ میلیون مترمکعب در روز برسد، از مجموع ۷۰۰ میلیون مترمکعب تولید روزانه گاز، تنها ۱۰۰ میلیون مترمکعب برای تأمین نیاز سایر بخش‌ها باقی خواهد ماند.

این کارشناس انرژی با اشاره به درخواست صنایع برای دریافت روزانه ۱۶۱ میلیون مترمکعب گاز در زمستان تصریح کرد: حتی اگر تمام ۱۰۰ میلیون مترمکعب باقی‌مانده به صنایع اختصاص پیدا کند، باز هم پاسخگوی نیاز آنها نخواهد بود و عملاً سهمی برای نیروگاه‌ها باقی نمی‌ماند.

از مصرف خانگی تا مازوت‌سوزی؛ زنجیره‌ای که به آلودگی هوا می‌رسد

پیامد ناترازی گاز تنها به محدودیت فعالیت صنایع یا کاهش ظرفیت تولید برق ختم نمی‌شود. هنگامی که مصرف خانگی در روزهای سرد افزایش پیدا می‌کند و امکان تأمین کامل نیاز همه بخش‌ها وجود ندارد، نیروگاه‌ها برای ادامه فعالیت ناچار به استفاده از سوخت‌های جایگزین می‌شوند.

در این میان، تفاوت میان گاز طبیعی و سوخت‌های مایع از منظر زیست‌محیطی اهمیت زیادی دارد. گاز طبیعی در مقایسه با مازوت، آلاینده‌های گوگردی و ذرات معلق بسیار کمتری تولید می‌کند؛ در حالی که احتراق مازوت، به‌ویژه در نیروگاه‌های فاقد تجهیزات مناسب کنترل آلایندگی، می‌تواند انتشار دی‌اکسید گوگرد و ذرات معلق را افزایش دهد.

از این منظر، افزایش مصرف گاز در بخش خانگی می‌تواند از مسیر محدود کردن سهم نیروگاه‌ها و افزایش احتمال استفاده از سوخت‌های مایع، به با این حال، کاهش مصرف غیرضروری گاز می‌تواند فشار بر شبکه تأمین را کاهش دهد و امکان تخصیص بیشتر این سوخت به نیروگاه‌ها را فراهم کند؛ اقدامی که در صورت کاهش مصرف سوخت‌های مایع، آثار مثبت زیست‌محیطی نیز به دنبال خواهد داشت.

آلودگی هوا فقط به بنزین و خودروهای فرسوده محدود نمی‌شود

در تحلیل آلودگی هوای کلان‌شهرها معمولاً کیفیت بنزین، تردد خودروهای فرسوده و موتورسیکلت‌ها در کانون توجه قرار می‌گیرد؛ اما منابع ثابت آلایندگی، از جمله نیروگاه‌ها و صنایع نیز در این معادله سهم دارند.

قاسم فدوی مدیرکل استاندارد استان تهران، در گفتگویی، درباره نقش سازمان استاندارد در ارزیابی کیفیت بنزین و تأثیر احتمالی کیفیت سوخت بر آلودگی هوای تهران اظهار کرد: اداره کل استاندارد استان تهران مانند سایر ادارات کل استانی، به دستور ستاد سازمان ملی استاندارد، نمونه‌برداری‌های فصلی از بنزین را انجام می‌دهد و نمونه‌ها برای بررسی و ارزیابی به ستاد ارسال می‌شوند.

وی با بیان اینکه کیفیت بنزین تنها عامل مؤثر در آلودگی هوای تهران نیست، تردد موتورسیکلت‌های فرسوده و خودروهای فرسوده و بنزینی را از دیگر عوامل اثرگذار بر آلودگی هوا دانست.

این اظهارات نشان می‌دهد مقابله با آلودگی هوا نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل است و نمی‌توان با تمرکز صرف بر کیفیت سوخت خودروها، سایر منابع آلایندگی را نادیده گرفت.



تفاوت پایه پولی و نقدینگی

پایه پولی و نقدینگی از اصطلاحات پرتکرار در خبرهای اقتصادی هستند؛ دو مفهومی که گاهی به‌جای یکدیگر به کار می‌روند، در حالی که معنای متفاوتی دارند. شناخت تفاوت آن‌ها کمک می‌کند روشن شود پول چگونه ایجاد می‌شود، بانک مرکزی و بانک‌ها چه نقشی در این فرایند دارند و چرا افزایش نقدینگی لزوماً به معنای چاپ اسکناس نیست.

برای درک موضوع می‌توان از یک تفاوت ساده شروع کرد: پولی که مردم در حساب‌های بانکی خود دارند، بخشی از نقدینگی است؛ اما تمام این موجودی، اسکناس چاپ‌شده یا پول نگهداری‌شده نزد بانک مرکزی نیست. بخش بزرگی از پول مورد استفاده در اقتصاد، به شکل سپرده بانکی وجود دارد و از طریق انتقال میان حساب‌ها خرج می‌شود.

پایه پولی؛ پول بانک مرکزی و ذخایر بانک‌ها

پایه پولی به پولی گفته می‌شود که بانک مرکزی ایجاد می‌کند و شامل دو بخش اصلی است: اسکناس و مسکوک در دست مردم و ذخایر بانک‌ها. منظور از بخش نخست، پول نقدی است که بیرون از بانک‌ها در اختیار خانوارها و کسب‌وکارها قرار دارد؛ مانند اسکناسی که فرد در کیف خود نگه می‌دارد یا پول نقد موجود در صندوق یک فروشگاه.

بخش دوم، ذخایر بانک‌هاست که موجودی نقد آن‌ها و سپرده‌هایشان نزد بانک مرکزی را در بر می‌گیرد. بانک‌ها برای انجام تعهدات، تسویه پرداخت‌ها و پاسخ‌گویی به برداشت مشتریان به این منابع نیاز دارند. بخشی از سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی، ذخیره قانونی است؛ یعنی مبلغی که طبق مقررات باید نگهداری شود. بانک‌ها ممکن است بیشتر از میزان الزامی نیز ذخیره داشته باشند.

بنابراین، موجودی حساب یک شهروند در بانک با موجودی بانک نزد بانک مرکزی تفاوت دارد. اولی سپرده مشتری و بخشی از نقدینگی است؛ دومی ذخیره بانک و بخشی از پایه پولی محسوب می‌شود. همین تفاوت، یکی از کلیدهای فهم رابطه میان این دو شاخص اقتصادی است.

پایه پولی را «پول پرقدرت» نیز می‌نامند؛ زیرا پشتوانه عملیاتی پرداخت‌ها و فعالیت اعتباری شبکه بانکی است. با این حال، این نام به معنای آن نیست که هر افزایش پایه پولی، الزاماً با نسبتی ثابت به افزایش نقدینگی منجر می‌شود.

بانک مرکزی از مسیرهای مختلف می‌تواند پایه پولی ایجاد کند. برای مثال، پرداخت وام به بانک‌ها، خرید دارایی از آن‌ها یا خرید ارز در برابر ایجاد ریال، می‌تواند پایه پولی را افزایش دهد. تأمین مالی دولت از بانک مرکزی نیز ممکن است چنین اثری داشته باشد.

در گزارش‌های اقتصادی، از دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، مطالبات آن از بانک‌ها و خالص مطالبات از بخش دولتی نیز صحبت می‌شود. این اقلام به توضیح منشأ تغییرات پایه پولی کمک می‌کنند، اما نباید آن‌ها را با اجزای پایه پولی اشتباه گرفت. به بیان ساده، یک پرسش این است که پایه پولی از چه تشکیل شده و پرسش دیگر اینکه چرا افزایش یا کاهش یافته است.

نقدینگی؛ مجموع پول و سپرده‌های مردم

نقدینگی در تعریف رایج آمار پولی ایران، از مجموع «پول» و «شبه‌پول» تشکیل می‌شود. این تعریف، هم پول نقد در دست مردم و هم سپرده‌های مشمول آمار نقدینگی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین دامنه آن با پایه پولی متفاوت است.

بخش «پول» شامل اسکناس و مسکوک در دست مردم و سپرده‌های دیداری است. سپرده دیداری، مانند موجودی حساب جاری، برای پرداخت در دسترس قرار دارد. وقتی فردی از حساب جاری خود وجهی منتقل می‌کند یا چک می‌کشد، از این بخش نقدینگی استفاده می‌کند.

«شبه‌پول» شامل سپرده‌هایی مانند پس‌انداز قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت است. این منابع بیشتر برای نگهداری پس‌انداز استفاده می‌شوند و برای خرج‌کردن، باید برداشت یا به موجودی قابل پرداخت تبدیل شوند. البته سرعت و شرایط دسترسی به انواع این سپرده‌ها یکسان نیست.

در نتیجه، نقدینگی فقط پولی نیست که همین حالا در کیف افراد قرار دارد. بخش مهمی از آن، اعدادی است که به‌عنوان موجودی سپرده در حساب‌های بانکی ثبت شده است. این سپرده‌ها برای صاحبانشان دارایی و برای بانک‌ها تعهد به پرداخت محسوب می‌شوند.



در آشپزی شوخی ندارم

ابوالفضل جعفری آشپز و داور برنامه «سرآشپز» شبکه سه با اشاره به تفاوت داوری در محیط حرفه‌ای آشپزی و تلویزیون گفت: از آنجایی که کیفیت غذا برایم خیلی مهم است، در آشپزی هم با کسی شوخی ندارم، اما در این برنامه باید با شرکت‌کننده‌ها مهربان‌تر می‌بودم و طوری ایرادها را می‌گفتم که انگیزه‌شان را از دست ندهند.

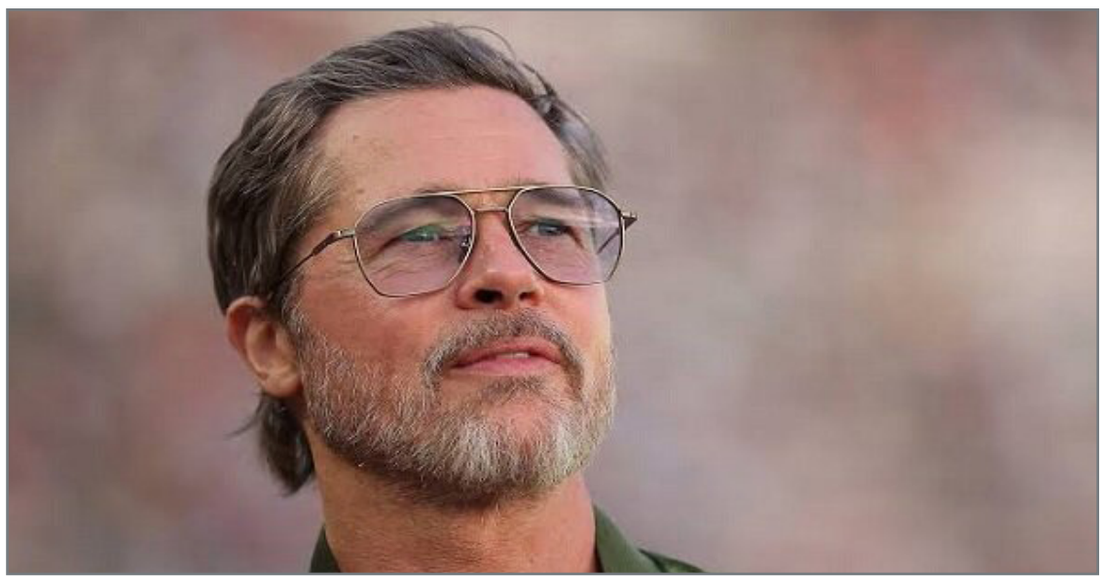
وی با تأکید بر اهمیت روحیه دادن به شرکت‌کنندگان افزود: صرفاً ایراد گرفتن هنر نیست، مهم این است که بتوانید در کنار بیان اشکالات، حال شرکت‌کننده را هم خوب کنید. خود من دوست دارم هر کسی که وارد این مسابقه می‌شود، چه کسی که در قسمت‌های اول حذف می‌شود و چه کسی که به فینال می‌رسد، بعد از حضور در برنامه از نظر اعتمادبه‌نفس یک قدم جلوتر باشد. برای همین سعی می‌کنیم نقاط قوت شرکت‌کننده‌ها را هم ببینیم و ایرادهایشان را با ملایمت بگوییم.

داور برنامه «سرآشپز» با اشاره به کمک کردن به شرکت‌کنندگان در جریان آماده‌سازی غذا عنوان کرد: اگر به عنوان منتور در این برنامه حضور دارم، قرار نیست فقط ایرادها را بیان کنم بلکه باید به عنوان مربی هم کنار شرکت کننده ها باشم و نقش یک راهنما را درست ایفا کنم. این رویکرد، نقش داور را از ارزیابی صرف عملکرد به همراهی و انتقال تجربه نزدیک می‌کند. هرچند حفظ اعتبار رقابت نیز مستلزم آن است که معیارهای ارزیابی روشن باشند و حمایت آموزشی جایگزین داوری منصفانه نشود.

جعفری یکی از ویژگی‌های برنامه «سرآشپز» را ایجاد کشش برای دنبال کردن اتفاقات هر قسمت دانست و اظهار کرد: برنامه یک قلابی دارد که مخاطب را با خودش همراه می‌کند و تقریباً فضای آن مثل یک سریال است که بیننده منتظر است ببیند در قسمت بعد چه اتفاقی می‌افتد.

وی ترکیب شرکت‌کنندگان با سنین و ویژگی‌های متفاوت را نیز از عوامل جذابیت برنامه برشمرد و افزود: ما در برنامه شرکت‌کننده‌های مختلفی داشتیم؛ از افراد جوان تا سالمندان و از نقاط و اقشار مختلف کشور. همین ترکیب متفاوت است که برنامه را جذاب می‌کند.

برد پیت ۵۰ سال عقب می‌رود؛ بازی در نقش یک فلزکار در آسمان‌ها



به نقل از ورلد آف ریل، هفت سال پس از ساخت فیلم «آوای متال» توسط داریوس ماردر، او فیلم بعدی خود را با حضور برد پیت می‌سازد.

برد پیت در فیلم «کانکتور» که با همکاری اپل ساخته می‌شود، بازی خواهد کرد.

ماردر فیلمنامه را با همکاری خواهرش نینا، برمبنای داستانی از درک سیانفرانس که ایده داستان «آوای متال» را نیز مطرح کرده بود، نوشته است.

داستان در نیویورک دهه ۱۹۷۰ اتفاق می‌افتد و داستان یک اسطوره طبقه کارگر، یک فلزکار که کارش ساخت سازه‌های بزرگ در آسمان‌هاست را دنبال می‌کند که با نیروهایی بسیار بزرگتر از خودش روبه‌رو می‌شود. پیت در نقش این کارگر یقه آبی که در منهتن دهه ۷۰ درگیر جرم و جنایت می‌شود، ظاهر خواهد شد.

از آنجا که پیت فیلم دیگری در دست ساخت ندارد، احتمال می‌رود ساخت این فیلم به سرعت انجام شود.

گفته شده اپل پس از موفقیت «F۱» دومین همکاری خود را با پیت تجربه می‌کند و این چهره برنده جایزه اسکار همچنین از طریق شرکت «پلن بی» خود به عنوان تهیه‌کننده فعالیت خواهد کرد.

«F۱» که سال ۲۰۲۵ اکران شد، به پرفروش‌ترین فیلم ورزشی تمام دوران بدل شد و نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم هم بود.

«آوای متال» یکی از بهترین‌های سال ۲۰۲۰ بود و اولین بار سال ۲۰۱۹ در جشنواره فیلم تورنتو به نمایش درآمد، اما تا سال بعد اکران نشد. از این فیلم به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های اول دهه یاد می‌شود.

این فیلم در طول همه‌گیری اکران شد و به همین دلیل فروش چندانی در سینماها نداشت و بیشتر در خانه تماشا شد. در «آوای متال» صدا همه چیز است و موضوع درباره روبن، یک درامزن متال با بازی ریز احمد است که شنوایی خود را از دست می‌دهد و تماشاگر درست در ذهن او قرار می‌گیرد.

«آوای متال» ۶ نامزدی اسکار، از جمله بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه اصلی، دریافت کرد و ۲ جایزه برای صداگذاری و تدوین برد.

برد پیت با قبول بازی در این فیلم، برای ماردر حکم یک معدن طلا را دارد. پیت امسال با فیلم «F۱» با فروش بیش از ۶۰۰ میلیون دلار و فیلم «قلب هیولا» با فروش جهانی نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار، دیده شد. او با فیلم «ماجراجویی‌های بیشتر کلیف بوث» در روز شکرگزاری دیده خواهد شد و در فیلم «سواران» ساخته ادوارد برگر برای A۲۴ نیز بازی کرده که سال آینده اکران خواهد شد.



جنجال گم شدن یک کودک

فیلم سینمایی «حاشیه» به کارگردانی محمدعلیزاده‌فرد، با محوریت ناپدید شدن یک کودک، به سراغ موضوعاتی چون حاشیه‌نشینی، شکاف طبقاتی و آسیب‌های اجتماعی رفته است.

فیلم سینمایی «حاشیه» به کارگردانی محمدعلیزاده‌فرد و تهیه‌کنندگی یوسف منصوری، اثری با محوریت مسائل اجتماعی است که داستان خود را در بستر حاشیه‌نشینی و مجموعه‌ای از اتفاقات مرتبط با زندگی ساکنان این مناطق پیش می‌برد.

این فیلم ۱۱۰ دقیقه‌ای، نخستین تجربه ساخت فیلم بلند سینمایی برای علیزاده‌فرد به شمار می‌رود که در چهل‌وچهارمین جشنواره ملی فیلم فجر به نمایش درآمد.

ماجرای فیلم از زندگی محسن (هادی کاظمی) آغاز می‌شود. او پس از وقوع حادثه‌ای ناخواسته مجبور می‌شود خانه و محل زندگی خود را تغییر دهد.

در ادامه، ناپدید شدن فرزند او ابعاد تازه‌ای به داستان می‌دهد و محسن مجبور به جستجوی فرزند خود می‌شود.

در جریان این پیگیری‌ها، او با مهدی (مهران احمدی) آشنا می‌شود و این ۲ که هرکدام به دلایلی شخصی درگیر ماجرایی مشابه هستند، مسیر مشترکی را برای رسیدن به پاسخ دنبال می‌کنند.

بخش مهمی از اتفاقات فیلم در محله‌های حاشیه‌ای شهر جریان دارد. محیطی که شخصیت‌های مختلفی با شرایط اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی متفاوت در آن حضور دارند.

به همین دلیل در کنار خط اصلی داستان، موضوعاتی مانند کودکان کار، فقر، اعتیاد، بزهکاری و نقش روابط محلی در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی نیز در روایت مطرح می‌شود.

هادی کاظمی که اغلب او را با شخصیت‌های طنز به یاد می‌آوریم در این فیلم نقش یک روحانی را ایفا می‌کند.

در کنار شخصیت‌های اصلی و روابط میان آنها، کاراکتر پلیس (سجاد بابایی) نیز در روند پیشبرد ماجرا حضور دارد اما برخلاف برخی دیگر از شخصیت‌های فیلم، اطلاعات کمتری درباره انگیزه‌ها، پیشینه و وجوه شخصیتی او ارائه می‌شود.

از این منظر، نقش پلیس بیشتر در ارتباط با پیشبرد خط داستانی تعریف شده است و مواجهه مستقلی با ابعاد شخصیتی او شکل نمی‌گیرد.

محمد علیزاده‌فرد کارگردان فیلم سینمایی «حاشیه» پیش‌تر در گفتگو با مهر عنوان کرده بود: معضل حاشیه‌نشینی یکی از معضلات جدی محسوب می‌شود و این معضل تبعاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کند که آسیب‌های گسترده‌ای را در بر می‌گیرد.

دوست داشتم در این زمینه کار کنم. طی این سال‌ها، شکاف طبقاتی کم که نشد بلکه بیشتر هم شد و همین سبب شد «حاشیه‌نشینی» بیشتر برای همگان ملموس شود و الان به شکلی شده که خیلی از مردم که در طبقه متوسط هستند نیز به واسطه حادثه یا اتفاقی پیش بینی نشده به ناگهان طبقه اجتماعی‌شان تغییر می کند و مجبور می‌شوند به حاشیه‌نشینی روی بیاورند.

وی بیان کرد: در این فیلم سعی کردم به بخشی از اتفاقاتی که در حاشیه رخ می‌دهد از منظر نگاه خانواده‌ای که عضوی از طبقه متوسط جامعه است و به واسطه یک اتفاق، مجبور به زندگی در حاشیه شهر می‌شوند، بپردازم.

البته هدفم، پرهیز از ارائه صرفا تلخی و سیاهی از این پدیده بوده است.

در این فیلم هادی کاظمی، مهران احمدی، سجاد بابایی، ونوس کانلی، میترا رفیع، جواد قامتی، محمود نظرعلیان، محمد موحدنیا، حسین شهبازی و آندیا عبدالرضایی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«حاشیه» در قالب داستانی درباره گم‌شدن یک کودک و تلاش ۲ شخصیت برای یافتن او، سراغ بخشی از مسائل اجتماعی و روابط انسانی در محله‌های حاشیه‌ای می‌رود.

پیوند میان یک بحران خانوادگی و مجموعه‌ای از مسائل اجتماعی، محور اصلی شکل‌گیری روایت این فیلم را تشکیل می‌دهد.

از جابه‌جایی در وزارت ارشاد تا درگذشت زندانی‌ای که استاد نقاشی شد

هنرهای تجسمی یکی از عرصه‌های هنری در کشورمان است که نسبت به دیگر هنرها امکان بروز و واکنش سریع به اتفاق‌ها را دارد اما عموماً نسبت به دیگر هنرها همچون سینما و موسیقی، مهجور واقع می‌شود. در سلسله گزارش‌های «هنرهای تجسمی در هفته‌ای که گذشت» درصدد هستیم بخشی از روند اتفاقاتی را که در هفته گذشته افتاده‌است، بیان کنیم.

جمعه‌ها روز تعطیل محسوب می‌شود اما در این روز، نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی آغاز به کار می‌کنند و هنرمندان تجسمی اعم از نقاشان، مجسمه‌سازان، عکاسان، تصویرسازان، گرافیست‌ها، خوشنویسان و □ تلاش‌ها و فعالیت‌های اخیر خود را در قالب یک نمایشگاه هنری به منصه ظهور می‌گذارند.

«آدینه» روز نانوشته آغازین بر نمایشگاه‌های هنری است و البته که به دلیل تعطیل بودن اکثر مشاغل، فرصتی مغتنم برای تماشای این آثار هنری توسط اقشار مختلف مردم فراهم می‌شود.

درگذشت نقاش پیشکسوت/ نقاشی که هنر را از دل زندان بیرون کشید

در هفته‌ای که گذشت، پرویز حبیب‌پور نقاش پیشکسوت ایرانی، در بامداد روز ۱۶ آبان ۱۴۰۵ در ۹۱ سالگی از دنیا رفت. زندگی او با چالش‌های اقتصادی عمیقی آغاز شد؛ او که در سال ۱۳۱۴ در بندرانزلی متولد شده بود، به دلیل فقر خانواده، فرصت ادامه تحصیل رسمی را نداشت و پس از دوره ابتدایی، راهی بازار کار شد. حبیب‌پور ابتدا در حرفه ریخته‌گری و آینه‌کاری به مهارت رسید و پس از مهاجرت به تهران در پی کودتای ۲۸ مرداد، با وجود سختی‌ها، توانست با پشتکار، مدرک دیپلم ادبیات خود را نیز دریافت کند. علاقه شدید او به هنر، وی را به سمت سفری پرفراز و نشیب به شوروی کشاند. او که قصد داشت آموزش هنری خود را در سطح حرفه‌ای دنبال کند، به دلیل محدودیت‌های قانونی، به صورت غیرقانونی از مرز خارج شد و در نتیجه، ۲ سال از دوران جوانی خود را در اردوگاه‌های کار اجباری گذراند.

هرچند در مسکو نتوانست به دانشکده هنرهای مورد نظرش راه یابد، اما آموزش هنری را به صورت آزاد دنبال کرد و سرانجام در سال ۱۳۴۷ با بازگشتی پر از تنش به ایران، به اتهام خروج غیرقانونی و جاسوسی، پنج سال از عمر خود را در بند زندان سپری کرد.

جالب توجه است که حتی در دوران سخت زندان، هنر از حبیب‌پور جدا نشد. او برخلاف بسیاری که در انزوا فرو می‌روند، از این دوران برای تکامل هنری خود بهره برد؛ به طوری که در زندان نیز به نقاشی پرداخت و حتی از همبندی‌ها و کارکنان زندان سفارش نقاشی دریافت می‌کرد. این تجربه زیسته، نگاه او را نسبت به مفاهیمی چون آزادی، قدرت و مناسبات اجتماعی عمیق‌تر کرد و باعث شد تا آثار او، بازتابی از تضاد میان انسان و محدودیت‌های اجتماعی باشد.

پس از آزادی، حبیب‌پور مسیر حرفه‌ای خود را با تمرکز بر آموزش و تولید اثر استوار کرد. او با تأسیس آموزشگاه شخصی و فعالیت در هنرستان‌های هنرهای زیبا، نسل‌های جدید را با تکنیک‌های طراحی و کالبدشناسی آشنا کرد. علاوه بر آموزش، در حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های تخصصی هنر نیز اثرگذار بود. او تا آخرین سال‌های فعالیتش، از جمله در نمایشگاه‌های سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۵، حضور خود را در فضای هنری حفظ کرد تا میراث بصری خود را به عنوان هنرمندی که از دل سختی‌ها و زندان برخاسته بود، به یادگار بگذارد.

در بازخوانی مسیر زندگی پرویز حبیب‌پور، آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند، پیوند ناگسستنی میان تجربه‌های شخصی و جهان بصری اوست. او هنرمندی بود که از دل طبقه کارگر برخاست، با چالش‌های فقر و محدودیت‌های آموزشی دست‌وپنجه نرم کرد و حتی در تاریک‌ترین دوران‌های زندان، هنر را به عنوان راهی برای بقا و ابراز وجود برگزید.

این فراز و نشیب‌های تند و تیز زندگی، تنها روایت‌هایی از سختی‌ها نیستند، بلکه زیربنای اصلی نگاه هنری او را تشکیل می‌دهند. در واقع، بدون درک این پیشینه، نمی‌توان به عمق و حساسیت مضامین موجود در آثار او پی برد؛ چرا که نقاشی‌های حبیب‌پور، بازتاب مستقیم دغدغه‌هایی است که او در مواجهه با بی‌عدالتی و محدودیت‌های اجتماعی تجربه کرده بود.

او در طول هفت دهه فعالیت، تنها به یک سبک یا موضوع محدود نشد. حبیب‌پور با تسلط بر تنوع موضوعی، از منظرنگاری و چهره‌نگاری تا پرداخت‌های اجتماعی، گستره وسیعی از توانمندی‌های خود را به نمایش گذاشت. او توانست تجربه زیسته خود را به زبانی بصری ترجمه کند که همزمان با واقعیت‌های بیرونی و درونی او گره خورده بود.

در نهایت، میراث او فراتر از کارهای نمایشگاهی، در نقش او به عنوان یک پیشگام آموزشی نیز تجلی یافت. او با انتقال دانش خود به نسل‌های بعدی و همچنین فعالیت در حوزه تألیف، ترجمه و تصویرگری کتاب، توانست نقش مهمی در ارتقای سطح علمی و هنری جامعه هنری ایفا و تجربه شخصی خود را به دانش ماندگاری تبدیل کند.

۲ جابه‌جایی در وزارت ارشاد

هفته گذشته، محمد الهیاری با حکم سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مدیرعامل صندوق اعتباری هنر منصوب شد. مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل صندوق اعتباری هنر یکشنبه ۱۷ آبان با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

وی در دی ۱۴۰۲، با حکم وزیر به عنوان مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی منصوب شده بود.

همچنین طبق شنیده‌ها ایوب دهقانکار مشاور علمی، فرهنگی و مدیریتی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، برای مدیریت بنیاد رودکی تعیین شده است.

روز ۱۶ آبان، سید مجید پوراحمدی مدیرعامل سابق صندوق اعتباری هنر، با انتشار یک نامه از مدیرعاملی این صندوق خداحافظی و سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در حکمی وی را به عنوان مشاور خود منصوب کرد.



جستجوی ایران در چرخ‌دنده‌های مدرنیته و نظم نمایشگاهی

نخستین نشست «جستجوی ایران» در موزه هنرهای معاصر، فراتر از یک نشست تخصصی، به بازخوانی هویت گسسته تمدن ما پرداخت.

شروین وکیلی در این نشست، با نگاهی عمیق، هنر ایران را نه یک پدیده سیاسی، بلکه یک «پیوستگی ۵۰۰۰ ساله» تعریف کرد که برخلاف مرزهای جغرافیایی، با شش رکن بنیادین، از ریاضی‌گونگی و هندسه تا لایه‌لایگی معنایی، در دل موسیقی، معماری و ادبیات نفس می‌کشد.

وی با نگاهی نقادانه، هشدار داد که چگونه ورود ناگهانی و بی‌رویه مدرنیته غربی در قرن‌های اخیر، این شالوده‌های اصیل را در هنرهای مختلف ایران به لرزه درآورده و نظم سنتی زیبایی را با منطق بازار و سیاست جایگزین کرده است.

در سوی دیگر این گفتگو، سیامک دل‌زنده با طرح پرسشی چالش‌برانگیز، از «محدودیت نقشه سیاسی» در برابر «گستردگی تمدن» سخن گفت.

وی با استناد به آثار هنری که در آنها تصویر کامل تنها با حضور «دیگری» در کنار آینه شکل می‌گیرد، نقد کرد که چگونه مفهوم ایران در ذهن ما، از یک تمدن وسیع و گستره‌ای از ادبیات و تاریخ، به یک نقشه کوچک و محدود سیاسی تقلیل یافته است.

این نشست در واقع تلاشی بود برای یافتن آن «ایرانِ بزرگ» در میان آینه‌های شکسته مدرنیته و مرزهای جغرافیایی.

سیامک دل‌زنده در ادامه نشست، با واکاوی بازنمایی‌های تاریخی از ایران، از گوی جواهرنشانِ ۳۴ کیلوگرمی ناصرالدین‌شاه و نقشه‌های دایره‌ای شکل در سنت اسلامی تا پوسترهای «مام وطن»، نشان داد که چگونه مفهوم ایران در طول تاریخ از ایده کهنِ «هفت کشور» و شعر نظامی («همه عالم تن است و ایران دل») به سمت بازنمایی‌های سیاسی و جغرافیایی سوق پیدا کرده است.

وی با عبور از این سیر تاریخی، بحث را به مفهوم کلیدی «نظم نمایشگاهی» (وام‌گرفته از تیموتی میچل) کشاند و سال ۱۸۵۱ – همزمان با مرگ امیرکبیر و گشایش نخستین نمایشگاه بزرگ جهانی در لندن – را نقطه عطفی در تغییر نگاه به فرهنگ‌ها دانست.

شکاف بر سر تأمین مالی اقلیم و آینده سوخت‌های فسیلی در کاپ ۳۱

ر به نقل از سازمان حفاظت محیط زیست، هوای پاییزی آنتالیا در میانه نوامبر، با آسمانی نیمه‌ابری و دمایی معتدل، فضای بیرونی اجلاس را آرام نشان می‌دهد، اما در مرکز نمایشگاهی ANFAŞ، محل برگزاری سی‌ویکمین کنفرانس تغییر اقلیم سازمان ملل متحد، مذاکرات با اختلافات جدی بر سر آینده انرژی، تأمین مالی و مسئولیت کشورها در قبال بحران اقلیم دنبال می‌شود.

این مرکز نمایشگاهی در محدوده آکسو و شرق آنتالیا، طی روزهای اخیر به محل رفت‌وآمد هیئت‌های سیاسی، کارشناسان، خبرنگاران و فعالان محیط‌زیست تبدیل شده است. با پایان نشست سران و انتقال تمرکز اجلاس به هیئت‌های مذاکره‌کننده، رایزنی‌ها برای تدوین تصمیم نهایی شدت گرفته است، فضای حاکم بر مذاکرات نشان می‌دهد اختلاف بر سر تعهدات مالی کشورهای توسعه‌یافته و آینده سوخت‌های فسیلی همچنان مهم‌ترین مانع دستیابی به توافق است.

دستور کار تصویب شد اما اختلافات به مرحله چانه‌زنی رسید

دستور کار رسمی کاپ ۳۱ در ۹ نوامبر تصویب شد، تأمین مالی اقلیم، سازگاری، صندوق سبز اقلیم، خسارت و زیان و گزارش‌دهی کشورها از جمله محورهای مذاکرات است. هم‌زمان، ریاست اجلاس مشورت درباره پیش‌نویس تصمیم پوششی کنفرانس را آغاز کرده و از کشورها خواسته است دیدگاه‌های خود را تا ۱۴ نوامبر ارائه کنند.

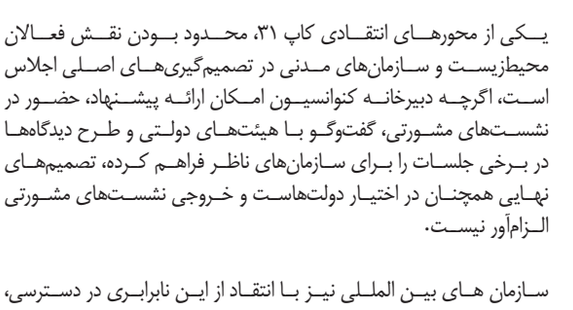
در مذاکرات، سه رویکرد اصلی قابل تشخیص است: کشورهای اروپایی خواهان تسریع گذار انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی هستند؛ کشورهای در حال توسعه، تأمین مالی و اجرای تعهدات کشورهای ثروتمند را اولویت می‌دانند؛ و تولیدکنندگان نفت و گاز در برابر تعهدات محدودکننده‌تر مقاومت می‌کنند، کشورهای جزیره‌ای نیز خواستار کاهش سریع انتشار و حمایت مالی متناسب با آسیب‌پذیری خود هستند.

برق‌رسانی جهانی با هشدار درباره تخریب منابع طبیعی

ابتکار «۳۵ در ۳۵» با حمایت ترکیه و مشارکت استرالیا، افزایش سهم برق در مصرف نهایی انرژی جهان از حدود ۲۳ درصد به ۳۵ درصد تا سال ۲۰۳۵ را هدف قرار داده است. توسعه شبکه برق، ذخیره‌سازی انرژی و برقی‌سازی حمل‌ونقل و صنعت از محورهای این برنامه است.

با این حال، بیش از ۱۲۰ سازمان مدنی و محیط‌زیستی نسبت به پیامدهای استخراج مواد معدنی مورد نیاز فناوری‌های انرژی پاک هشدار داده‌اند. استخراج لیتیوم، نیکل و عناصر کمیاب، در صورت فقدان ضوابط محیط‌زیستی، می‌تواند به تخریب جنگل‌ها، آلودگی منابع آب و نقض حقوق جوامع بومی منجر شود. مطالبه این سازمان‌ها، گنجاندن استانداردهای مسئولانه استخراج در سیاست‌های گذار انرژی است.

شکاف کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه در آنتالیا عمیق‌تر شد



است

در پایان هفته نخست کاپ ۳۱، اختلاف بر سر تأمین مالی و آینده سوخت‌های فسیلی همچنان مهم‌ترین مانع پیشرفت مذاکرات است، ابتکارهای تازه در حوزه برق‌رسانی، کاهش متان و تأمین مالی کشورهای آسیب‌پذیر مطرح شده‌اند، اما تبدیل آنها به تعهدات اجرایی و قابل ارزیابی به توافق سیاسی کشورها وابسته است.

با انتقال تمرکز اجلاس از نشست سران به مذاکرات تخصصی، اکنون کیفیت تصمیم‌های نهایی و میزان پایبندی کشورها به اجرای آنها اهمیت بیشتری پیدا کرده است، اجلاس تا ۲۰ نوامبر ادامه دارد و نتیجه مذاکرات، میزان توانایی کشورها برای عبور از تعهدات اعلامی و حرکت به سمت اقدام عملی در مقابله با بحران اقلیم را مشخص خواهد کرد.

شکاف کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه در آنتالیا عمیق‌تر شد

فعالان محیط‌زیست خواهان سهم واقعی در تصمیم‌گیری‌های اقلیمی شدند

یکی از محورهای انتقادی کاپ ۳۱، محدود بودن نقش فعالان محیط‌زیست و سازمان‌های مدنی در تصمیم‌گیری‌های اصلی اجلاس است، اگرچه دبیرخانه کنوانسیون امکان ارائه پیشنهاد، حضور در نشست‌های مشورتی، گفت‌وگو با هیئت‌های دولتی و طرح دیدگاه‌ها در برخی جلسات را برای سازمان‌های ناظر فراهم کرده، تصمیم‌های نهایی همچنان در اختیار دولت‌هاست و خروجی نشست‌های مشورتی الزام‌آور نیست.

سازمان های بین المللی نیز با انتقاد از این نابرابری در دسترسی، خواستار مشارکت مؤثرتر جوامع بومی، مدافعان محیط‌زیست و گروه‌های آسیب‌پذیر در مذاکرات شد، به این ترتیب، مسئله فقط حضور فعالان در محل اجلاس نیست؛ مطالبه اصلی آنان برخورداری از امکان اثرگذاری بر تصمیم‌هایی است که مستقیماً بر زندگی و آینده جوامعشان تأثیر می‌گذارد.

کشورهای جزیره‌ای کوچک پیشنهاد ایجاد صندوقی برای تأمین مالی سازگاری با تغییر اقلیم از محل اختصاص سه درصد از حواله‌های مالی مهاجران را مطرح کرده‌اند. حواله‌های ارسالی به این کشورها در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۲ میلیارد دلار برآورد شده است.

بر اساس برآورد اولیه، این صندوق می‌تواند در یک دوره ۱۰ ساله به حدود ۲.۵۹ میلیارد دلار برسد. هدف طرح، تأمین منابع پایدار برای حفاظت از سواحل، مقابله با بلایای طبیعی و کاهش وابستگی کشورهای آسیب‌پذیر به وام‌ها و کمک‌های مقطعی است. این پیشنهاد هنوز در مرحله رایزنی قرار دارد.

در نشست ویژه مقابله با متان و سایر گازهای گلخانه‌ای در کاپ ۳۱، بیش از ۴۸۰ میلیون دلار منابع جدید از سوی نهادهای خیریه و شرکای بین‌المللی اعلام شد، همچنین ۲۵ میلیون دلار برای توسعه برنامه اقدام ملی در هفت کشور اختصاص یافت.

اهمیت این تعهدات به نقش متان در تشدید گرمایش کوتاه‌مدت بازمی‌گردد. فرانسه نیز خواستار تعیین اهداف نزدیک به صفر برای انتشار متان در بخش نفت و گاز شده است. با این حال، اثربخشی این منابع به اجرای برنامه‌ها، کنترل نشت و پایش مستقل میزان کاهش انتشار وابسته است.

گوترش خواستار مقابله با نفوذ صنایع فسیلی شد

آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد، در سخنرانی خود در آنتالیا بر ضرورت مقابله با نفوذ صنایع سوخت فسیلی در تصمیم‌گیری‌های اقلیمی تأکید کرد. او توسعه برق پاک، تأمین مالی کشورهای در حال توسعه و فاصله‌گرفتن از وابستگی به سوخت‌های فسیلی را از الزامات مقابله با بحران اقلیم دانست.

این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شده که حضور و نفوذ شرکت‌های نفت و گاز در اجلاس‌های اقلیمی، همچنان با انتقاد سازمان‌های مدنی روبه‌رو است.

شکاف کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه در آنتالیا عمیق‌تر شد

فعالان سازمان ActionAid در حاشیه اجلاس با برگزاری یک حرکت اعتراضی، خواستار لغو بدهی کشورهای آسیب‌پذیر و اختصاص منابع مالی بلاعوض برای مقابله با تغییر اقلیم شدند.

به اعتقاد معترضان، کشورهای فقیر بخش قابل‌توجهی از منابع عمومی خود را صرف بازپرداخت بدهی می‌کنند و در نتیجه، توان کمتری برای سرمایه‌گذاری در سازگاری اقلیمی و حفاظت از زیرساخت‌ها دارند، این مطالبه بار دیگر اختلاف کشورهای شمال و جنوب بر سر مسئولیت تاریخی و سهم تأمین مالی مقابله با بحران اقلیم را برجسته کرده



کاهش ۵۳ درصدی قمه‌کشی در کشور

سخنگوی فراجا از کشف ۲۸۷ تن موادمخدر در هفت ماه گذشته خبر داد و گفت: در این مدت وقوع جرایم چاقوکشی و قمه‌کشی ۵۳ درصد کاهش یافته است.

سردار منتظرالمهدی، با اشاره به نتایج عملیات‌های گسترده در حوزه مبارزه با موادمخدر، افزود: در ۷ ماه گذشته، با تلاش‌های بی‌وقفه نیروهای عملیاتی، از ورود ۲۸۷ تن انواع موادمخدر به کشور جلوگیری شده است.

این موفقیت که با افزایش ۱۹ درصدی در نرخ کشفیات همراه بود، نشان‌دهنده ارتقای سطح اشرافیت اطلاعاتی پلیس در شناسایی مسیرهای ترانزیت است.

وی ادامه داد: با افزایش دستگیری ها در سطح خرده‌فروشی و انهدام ۱۹ درصدی باندهای ترانزیت، گام بزرگی در جهت تثبیت امنیت و مبارزه با سوداگران مرگ و موادمخدر برداشته شده است.

سردار منتظرالمهدی یادآور شد: در حالی که شاهد افزایش ۱۴ درصدی در کشف سلاح‌های غیرمجاز بوده‌ایم، بررسی جزئیات نشان می‌دهد که ۳۱ درصد از این حجم، شامل سلاح‌های جنگی است که با ۹ درصد رشد در کشف نسبت به دوره قبل در مقابله با تهدیدات نوین و تلاش برای مهار هرگونه اقدام جهت ایجاد تنش‌های داخلی است.

وی در ادامه به بهبود شاخص‌های امنیت اجتماعی اشاره کرد و گفت: گزارش‌ها حاکی از کاهش چشمگیر میزان خشونت‌های خیابانی است.

به طوری که وقوع جرایمی نظیر چاقوکشی و قمه‌کشی ۵۳ درصد کاهش یافته و با دستگیری ۱۹۰۰ نفر از اشرار، کنترل فضای عمومی بهبود یافته است.

همچنین کاهش ۲۸ درصدی نزاع دسته‌جمعی و ۱۷ درصدی نزاع فردی، حکایت از مدیریت خشم اجتماعی و افزایش تاب‌آوری جامعه دارد

سخنگوی فراجا با اشاره به نتایج عملیات‌های گسترده در حوزه مبارزه با موادمخدر، اعلام کرد: در ۷ ماه گذشته، با تلاش‌های بی‌وقفه نیروهای عملیاتی، از ورود ۲۸۷ تن انواع موادمخدر به کشور جلوگیری شده است.

این موفقیت که با افزایش ۱۹ درصدی در نرخ کشفیات همراه بود، نشان‌دهنده ارتقای سطح اشرافیت اطلاعاتی پلیس در شناسایی مسیرهای ترانزیت است.

وی ادامه داد: با افزایش دستگیری ها در سطح خرده‌فروشی و انهدام ۱۹ درصدی باندهای ترانزیت، گام بزرگی در جهت تثبیت امنیت و مبارزه با سوداگران مرگ و موادمخدر برداشته شده است.

سردار منتظرالمهدی یادآور شد: در حالی که شاهد افزایش ۱۴ درصدی در کشف سلاح‌های غیرمجاز بوده‌ایم، بررسی جزئیات نشان می‌دهد که ۳۱ درصد از این حجم، شامل سلاح‌های جنگی است که با ۹ درصد رشد در کشف نسبت به دوره قبل در مقابله با تهدیدات نوین و تلاش برای مهار هرگونه اقدام جهت ایجاد تنش‌های داخلی است.

وی در ادامه به بهبود شاخص‌های امنیت اجتماعی اشاره کرد و گفت: گزارش‌ها حاکی از کاهش چشمگیر میزان خشونت‌های خیابانی است.

به طوری که وقوع جرایمی نظیر چاقوکشی و قمه‌کشی ۵۳ درصد کاهش یافته و با دستگیری ۱۹۰۰ نفر از اشرار، کنترل فضای عمومی بهبود یافته است.

همچنین کاهش ۲۸ درصدی نزاع دسته‌جمعی و ۱۷ درصدی نزاع فردی، حکایت از مدیریت خشم اجتماعی و افزایش تاب‌آوری جامعه دارد

اهمیت «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی» از نگاه رئیس عدلیه

در ادامه رونمایی از طرح‌های تحول‌آفرین قوه قضاییه در حوزه فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی، صبح شنبه با حضور حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، از طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، رونمایی شد.

با رونمایی از این طرح، حرکت قوه قضاییه از مرحله‌ی «دادرسی الکترونیکی» به سمت «دادرسی هوشمند»، شتاب پیدا می‌کند.

اژه‌ای در جریان رونمایی از طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی» بر دو نکته مشخص تأکید کرد؛ نخست، «ارائه آموزش‌های جامع و کامل به قضات و مسئولان قضایی پیرامون مقوله‌ی ارجاع هوشمند» و دوم، «تمهید مقدماتی برای اطلاع سریع قضات و طرفین پرونده‌ها از ارجاعات هوشمند صورت گرفته».

رئیس قوه قضاییه همچنین طی سخنانی در جمع مدیران قضایی و دست‌اندرکاران طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، ضمن تقدیر از بانیان و عاملان طرح مذکور، اظهار کرد: به واسطه طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، سرعت و دقت رسیدگی به پرونده‌ها، به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد و از اعمال سلیقه در ارجاع پرونده‌ها و رسیدگی‌ها، پیشگیری به عمل می‌آید.

وی با برشمردن عمده مزایای طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، گفت: «تخصیص پرونده بر اساس ظرفیت واقعی شعب، حجم کار موجود و نوع تخصص، نه بر مبنای رابطه یا سلیقه» و «پیشگیری از تراکم نامتوازن؛ از عمده مزایای طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، است.

رئیس عدلیه عنوان کرد: با رونمایی از این طرح هوشمند، ارجاع پرونده‌ها، قابل ثبت، قابل بازبینی و قابل نظارت می‌شود. نتیجه‌ی مورد انتظار هم توزیع عادلانه‌ی حجم کاری، کاهش اعمال سلیقه و کوتاه‌شدن فرآیند رسیدگی‌هاست است.

وی در ادامه ضمن تبیین و تشریح اولویت‌های عدلیه، اظهار کرد: گسترش عدل و ارائه خدمات دقیق، سریع و کم‌هزینه در راستای افزایش رضایتمندی مردم و مراجعان، دو وظیفه و مسئولیت اصلی و اولویت‌دار دستگاه قضا است.

رئیس دستگاه قضا، رضایتمندی مردم را مقوله‌ای بسیار پراهمیت و اولویت‌دار دانست و بیان داشت: گسترش دادرسی هوشمند و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از جمله مؤلفه‌هایی است که سبب افزایش رضایتمندی مردم و مراجعان به عدلیه می‌شود. فی‌المثل به واسطه همین طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، مراجعان به مراجع قضایی، دیگر دغدغه‌ای از حیث سیر رسیدگی‌ها ندارند و می‌دانند که پرونده‌شان در تاریخ مشخصی از فلان شعبه بدوی به فلان شعبه تجدیدنظر، ارجاع شده است.

وی با تأکید بر اهمیت تکمیل حلقه‌های رضایتمندی مردم، عنوان کرد: مردم توقع دارند با راه‌اندازی طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، پس از دریافت پیامک از سامانه‌ی مربوطه، وقتی به مرجع قضایی ذی‌صلاح مراجعه کردند، پرونده‌ی ارجاع شده‌شان، در دسترس و در سیر رسیدگی باشد؛ به عبارت دیگر، پس از ارجاع هوشمند پرونده، باید به سرعت، ارجاع فیزیکی پرونده نیز محقق شود تا حلقه رضایتمندی مردم، تکمیل گردد.

قاضی القضات با تأکید بر اینکه هوشمندسازی فرآیندهای قضایی، نقطه‌ی پایان و حد یقفی ندارد، خاطرنشان کرد: به هر میزان که فناوری‌های نوین و هوشمند ایجاد شود، قوه قضاییه در راستای کسب رضایتمندی مردم و تسهیل و تسریع پیشبرد امورات قضایی و حقوقی آنها، از این فناوری‌ها بهره خواهد گرفت.

اژه‌ای با قدردانی از خدمات و زحمات ریاست مرکز آمار و فناوری اطلاعات اظهار کرد: دکتر کاظمی‌فرد و مجموعه‌ی نیروهای مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه، حقا و انصافا مجاهدت مطلوبی داشته‌اند و علی‌رغم محدودیت‌ها و مضایق اعتباری و بودجه‌ای با توان بومی، طرح‌های فناورانه و هوشمند مؤثر و نافعی را به مرحله‌ی اجرا و عملیاتی رساندند.

همچنین در این مراسم، صاحبکار معاون راهبردی قوه قضاییه با اشاره به ضرورت هماهنگی سیاست‌ها، قوانین و اقدامات اجرایی در مسیر تحول دستگاه قضایی، اظهار کرد: هوشمندسازی فرایندها و استفاده حداکثری از فناوری‌های نوین در ارائه خدمات قضایی، در بند ۲۶ سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است. در همین راستا، موضوع ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی با در نظر گرفتن تخصص، اوضاع و شرایط پرونده و موارد مشابه، در راهکارهای سند تحول و تعالی قوه قضاییه پیش‌بینی شد و در ادامه، در برنامه هفتم پیشرفت نیز تکلیف قانونی برای فراهم‌سازی امکان ارجاع پرونده با استفاده از فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی، به‌منظور کمک به قاضی تعیین شد.

وی با بیان اینکه قوه قضاییه موفق شده است این تکلیف قانونی را محقق کند، افزود: در کنار این اقدامات، طی هفته‌های اخیر نیز با راه‌اندازی سکوهای هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی و سامانه ضمانت الکترونیک، تلاش شده است نقش عوامل انسانی در فرایندهایی که امکان انجام هوشمند آنها وجود دارد، کاهش یابد. امروز نیز با راه‌اندازی سامانه ارجاع هوشمند پرونده‌ها به قضات، یکی دیگر از مراحل این مسیر تکمیل شده است که در صورت توسعه کامل، می‌تواند موجب افزایش سرعت و



دقت در فرایندهای قضایی و کاهش نیاز به مداخله انسانی شود.

معاون راهبردی قوه قضاییه با اشاره به آثار اجرای این طرح در کاهش نیروی انسانی موردنیاز برای ارجاع پرونده‌ها گفت: برای نمونه، در مجتمع تجدیدنظر تهران، تعداد چهار نیروی انسانی ارزشمند که به‌صورت اختصاصی مسئول ارجاع پرونده‌ها بودند، با اجرای این سامانه به کمتر از یک نفر کاهش یافته و سه نفر از نیروها برای انجام سایر امور و رسیدگی به پرونده‌ها به کار گرفته شده‌اند. برآورد ما این است که با اجرای کامل اینطرح در سراسر کشور، امکان صرفه‌جویی در ظرفیت کاری حدود ۲۰۰ قاضی تمام‌وقت نیز فراهم شود تا این نیروهای ارزشمند در سایر بخش‌های موردنیاز دستگاه قضایی به کار گرفته شوند.

ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی؛ طرحی که پس از ۱۰ سال عملیاتی شد

کاظمی‌فرد رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه نیز با اشاره به حرکت دستگاه قضایی به سمت دادرسی هوشمند، اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دادرسی هوشمند، کاهش دخالت انسانی در فرایندهای اجرایی است. در همین راستا، حرکت به سمت ایجاد شعب هوشمند در دستور کار قرار گرفته است تا اقداماتی نظیرارجاع پرونده، انتخاب کارشناس، انجام استعلامات، مکاتبات، وقت‌دهی‌ها و سایرامور اداری شعب به‌صورت هوشمند انجام شود؛ به زودی سامانه وقت‌دهی هوشمند نیزرونمایی خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه راه‌اندازی سامانه ارجاع هوشمند پرونده از مطالبات و موضوعات مطرح‌شده طی سال‌های گذشته بوده است، افزود: این موضوع نخستین‌بار در تبصره ماده ۸ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در سال ۱۳۹۵ مطرح شد و پس از ایجاد زیرساخت‌های موردنیاز، اکنون امکان اجرای آن فراهم شده است. این سامانه همچنین در راستای اجرای سند تحول و تعالی قوه قضاییه و با هدف کاهش اطاله دادرسی و پیشگیری از خطا در فرایند رسیدگی راه‌اندازی شده است.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON





ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی

رئیس قوه قضاییه با اشاره به رونمایی از طرح «ارجاع هوشمند پرونده‌های قضایی»، گفت: با اجرای این طرح، از اعمال سلیقه در ارجاع پرونده‌ها و رسیدگی‌ها، پیشگیری به عمل می‌آید.

۷

برد پیت ۵۰ سال عقب می‌رود

به نقل از ورلد آف ریل، هفت سال پس از ساخت فیلم «آوای متال» توسط داریوس ماردر، او فیلم بعدی خود را با حضور برد پیت می‌سازد.

۶



جوانان پدل در آسیا مدال‌آور شدند

تیم ملی پسران ایران در دیدار پایانی رده‌های سنی جوانان آسیا مقابل کویت به میدان رفت و در پایان با برتری در این مسابقه به مدال طلا دست یافت. این تیم با هدایت ارسلان محمدی و حمید مبارکی در این رقابت‌ها حاضر شده بود.
در دیدار پایانی، ابتدا تیم کمتر از ۱۴ سال ایران با ترکیب پارسا ذوالفقاری و علیرضا حاج‌ملاحیدری مقابل کویت شکست خورد. سپس در رده کمتر از ۱۶ سال، امیرطاها دهقانی و رامتین رافعی با پیروزی مقابل حریف، نتیجه را به تساوی کشاندند. در بازی سوم و تعیین‌کننده، علیرضا تقی‌زاده و مهراد منصوری با نظر ارسلان محمدی برای ایران به میدان رفتند و با پیروزی خود قهرمانی تیم پسران ایران را رقم زدند.
پیش از این نیز تیم دختران ایران با هدایت صحابه فرد و آیسان آبسالان و سرپرستی سمیرا قدسی، به مقام سوم این مسابقات رسیده بود.
رقابت‌های پدل قهرمانی جوانان آسیا از ۱۶ تا ۲۳ آبان ۱۴۰۵ در جاکارتا برگزار شد و تیم‌های ایران در رده‌های سنی کمتر از ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سال و در دو بخش دختران و پسران در آن شرکت کردند.
در بخش دختران، جانا صافی، آرمیتا عزتنژاد، دلان بیطرفان، بهار حاجی‌ملاحیدر، جانان بیطرفان، هلیا عقیلی، رومینا رافعی، ارغوان امیرخانلو، یاسمین حسنی و نیلا رحیمی عضو تیم ایران بودند. در بخش پسران نیز علیرضا حاجی‌ملاحیدر، تیام نصیری، رامتین رافعی، سپهر مهربخش، سید دانیال احرامیان، صدرا عاطفی، آراد آسوده، پارسا ذوالفقاری، طاها دهقان، علی تقی‌زاده، عطاالله فرحناک و مهراد منصوری ترکیب تیم ایران را تشکیل می‌دادند. سرپرستی تیم پسران بر عهده محمدحسین نقاشیان بود.





نسل جدید وظیفه سنگینی برعهده دارد

به نقل از سایت فدراسیون فوتبال، مهدی تاج، رئیس فدراسیون در این تماس ضمن خدا قوت به کلیه اعضا تیم عنوان کرد؛ پوشیدن پیراهن تیم ملی فوتبال بزرگسالان بالاترین افتخار است و من خوشحالم نسل جدید با جلب اعتماد کادر فنی به این مهم نائل آمده و امیدوارم با بهره مندی از راهنمایی مربیان و تجربه هم بازیان قدیمی تر خود مسیر موفقیت را به خوبی و با سرعت بالا طی کنند.
وی افزود: ملی‌پوشان جدید باید بدانند وظیفه سنگینی برعهده آنها گذاشته شده است. از امشب چشم امید میلیون ها ایرانی و عاشقان میهن به تلاش و کوشش آنهاست و در شرایطی که مردم ماههاست حماسه بی بدیلی رقم زده اند و کشور در یک دوره شورانگیز مقاومت در برابر خصم کینه جو به سر می برد، وظیفه همه ما صدچندان بوده و می بایست برای شادی دل مردم عزیزمان بیشتر و بیشتر تلاش کنیم.



سریع‌ترین شناگر کشور رکورد خود را بهبود بخشید

سامیار عبدلی در مرحله مقدماتی مسابقات قهرمانی شنای آلمان در استخر مسافت کوتاه ۲۰۲۶ با ثبت زمان ۲۱ ثانیه و ۸۰ صدم ثانیه، ضمن کسب جایگاه سوم، رکورد قبلی ایران را که با زمان ۲۱ ثانیه و ۸۷ صدم ثانیه در اختیار خودش بود، بهبود بخشید و بار دیگر رکورد ملی این ماده را به نام خود ثبت کرد.
سامیار عبدلی که به‌عنوان سریع‌ترین شناگر ایران در ماده ۵۰ متر آزاد شناخته می‌شود، سابقه حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس را دارد. او همچنین در ششمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض، با کسب مدال طلای ماده ۵۰ متر آزاد، نخستین مدال طلای کاروان ایران در این رقابت‌ها را به دست آورد.
مرحله پایانی ماده ۵۰ متر آزاد مسابقات قهرمانی آلمان، بعدازظهر امروز برگزار خواهد شد.

دوومیدانی و مأموریت دشوار المپیک



دوومیدانی ایران در بازی‌های آسیایی ناگویا نتوانست به هدف‌گذاری ۱۰ مدالی فدراسیون دست پیدا کند اما عملکرد نمایندگان کشورمان را نمی‌توان ناموفق ارزیابی کرد. در این رقابت‌ها ورزشکاران ایران با وجود فاصله گرفتن از پیش‌بینی‌های اولیه نتایج ارزشمندی به دست آوردند و چند اتفاق مهم را در تاریخ این رشته به ثبت رساندند. در بخش زنان زهرا زارعی با عملکرد خود تاریخ‌ساز شد و در ماده پرتاب وزنه نیز پس از ۵۲ سال بار دیگر یک مدال برای دوومیدانی ایران به دست آمد تا ناگویا با وجود فاصله از هدف اولیه دستاوردهای قابل توجهی برای این رشته داشته باشد.

هدف‌گذاری حدادی برای کسب ۴ تا ۶ سهمیه

حالا نگاه فدراسیون دوومیدانی از ناگویا به لس‌آنجلس دوخته شده و مهم‌ترین هدف پیش روی این رشته کسب سهمیه برای بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ است. احسان حدادی رئیس فدراسیون دوومیدانی در دیدار اخیر خود با رئیس کمیته ملی المپیک از برنامه‌ریزی برای کسب ۴ تا ۶ سهمیه خبر داد و ابراز امیدواری کرد که دست‌کم دو ورزشکار ایران بتوانند در المپیک به فینال ماده خود راه پیدا کنند.

البته رسیدن به این هدف با توجه به شرایط جدید کسب سهمیه کار آسانی نخواهد بود. فدراسیون جهانی دوومیدانی شیوه‌نامه و حدنصاب‌های ورودی المپیک لس‌آنجلس را اعلام کرده و بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که ورزشکاران برای رسیدن به این رقابت‌ها با استانداردهای دشوارتری روبه‌رو هستند. بر اساس این مقررات حدود ۴۰ درصد سهمیه‌ها از طریق کسب حدنصاب مستقیم و ۶۰ درصد دیگر از مسیر رنکینگ جهانی توزیع می‌شوند. تغییری که اهمیت حضور مستمر در مسابقات بین‌المللی را بیشتر می‌کند.

فاصله رکوردهای ایران با حدنصاب‌های المپیک

نگاهی به حدنصاب‌های اعلام‌شده نیز فاصله میان رکوردهای فعلی برخی ورزشکاران ایران و استانداردهای المپیک را نشان می‌دهد. برای مثال در دوی ۱۰۰ متر مردان رکورد ۹.۹۳ ثانیه و در بخش زنان ۱۰.۹۶ ثانیه به‌عنوان حدنصاب ورودی تعیین شده است. در پرتاب وزنه مردان نیز ورزشکاران باید به رکورد ۲۱.۵۰ متر برسند در حالی که رکورد قهرمان ایران در ناگویا ۲۰.۸۱ متر بود. در پرتاب دیسک نیز حدنصاب ۶۷.۲۰ متر اعلام شده است در شرایطی که نماینده ایران در ناگویا رکورد ۶۰.۳۲ متر را ثبت کرد.

این اعداد نشان می‌دهند که اتکا به رکوردهای فعلی برای کسب سهمیه مستقیم کافی نخواهد بود و ورزشکاران باید در فاصله باقی‌مانده تا المپیک پیشرفت قابل توجهی در عملکرد خود ایجاد کنند.

مسیر دشوار دیگر برای رسیدن به لس‌آنجلس

از سوی دیگر مسیر رنکینگ جهانی نیز به حضور در رقابت‌های معتبر و کسب امتیازهای لازم وابسته است و بدون اعزام‌های هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده نمی‌توان جایگاه مناسبی در این رده‌بندی به دست آورد. به همین دلیل فدراسیون دوومیدانی برای تحقق هدف ۴ تا ۶ سهمیه‌ای خود باید از همین حالا مواد دارای شانس بیشتر را شناسایی کند و برنامه مشخصی برای آماده‌سازی ورزشکاران داشته باشد. حضور در مسابقات بین‌المللی، فراهم کردن شرایط تمرینی مناسب و ارتقای رکوردها باید در اولویت برنامه‌های فدراسیون قرار بگیرند تا ورزشکاران ایران فرصت کافی برای ورود به چرخه کسب سهمیه را داشته باشند.

سهمیه‌های المپیک از وعده تا واقعیت

ناگویا نشان داد که دوومیدانی ایران همچنان ظرفیت خلق اتفاق‌های مهم را دارد اما فاصله میان درخشش در بازی‌های آسیایی و حضور موفق در المپیک قابل توجه است. حالا باید دید حدادی و مجموعه فدراسیون می‌توانند با برنامه‌ریزی دقیق هدف اعلام‌شده را به سهمیه‌های واقعی تبدیل کنند و دوومیدانی ایران را با ترکیبی قابل قبول راهی لس‌آنجلس کنند.